

Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

Iran's Criminal Policy on Economic Crimes

1. Shahram Roshandel: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran
2. Mehdi Esmaeili*: Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: dresmaeli@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Hasan Hajitabar Firouzjaei: Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

ABSTRACT

This article examines Iran's criminal policy regarding economic crimes. The present research was conducted using a descriptive and analytical method. The expansion of economic crimes has hindered the government's achievement of national objectives in the domain of economic security. Iran's economic environment, due to numerous vulnerabilities, creates a more conducive ground for committing economic crimes compared to advanced economic systems. However, Iran's criminal policy, especially its penal policy, lacks specific measures to address this category of crimes. Due to the absence of a structured penal policy, the generalization of economic crime instances, insufficient coverage of economic crimes, and the lack of specific criteria to distinguish these crimes from other offenses, this concept benefits actual economic criminals more than it does the legal system and society's citizens. Findings indicate that Iran's criminal policy regarding economic crimes faces numerous challenges. Among the most fundamental challenges and ambiguities are the lack of a comprehensive and precise definition of the concept and purpose of economic crimes, the breadth of cases due to leniency in judicial approaches, the flawed adoption of penal policies and the degree of their appropriateness and effectiveness, the absence of a clear definition of economic crimes, multiple legislative bodies in the field of economic crimes, pluralism in judicial criminal policy, populist penal approaches in dealing with economic crimes, the absence of a cohesive and unified criminal policy, and the security-oriented nature of criminal policy in economic crimes. These are among the current challenges and issues in Iran's criminal policy regarding economic crimes.

Keywords: *criminal policy, economic crimes, penal policy, preventive policy, Islamic Penal Code.*

How to cite: Roshandel, S., Esmaeili, M., & Hajitabar Firouzjaei, H. (2024). Iran's Criminal Policy on Economic Crimes. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(2), 157-189.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 18 June 2024
Revise Date: 10 August 2024
Accept Date: 28 August 2024
Publish Date: 22 September 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

سیاست جنائی ایران در زمینه جرایم اقتصادی

۱. شهرام روشندل: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.
۲. مهدی اسماعیلی: استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: dresmaeli@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. حسن حاجی تبار فیروزجایی: دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران.

چکیده

این مقاله متکفل بررسی سیاست جنائی ایران در زمینه جرایم اقتصادی است. پژوهش حاضر به صورت روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده است. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، درحالی‌که سیاست جنایی به ویژه سیاست کیفری ایران تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرایم ندارد. به دلیل نداشتن سیاست کیفری نظام‌مند، کلی‌گویی در مصادیق جرایم اقتصادی، عدم پوشش کافی جرایم اقتصادی و فقدان معیار خاص برای تمییز این جرایم از سایر جرایم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی و شهروندان جامعه باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است. یافته‌ها بیانگر این است که سیاست جنایی ایران در قبال جرائم اقتصادی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌باشد. از اساسی‌ترین این چالش‌ها و ابهامات می‌توان به عدم تبیین جامع و مانع از مفهوم و هدف جرایم اقتصادی، گستره پرونده‌ها بدلیل تسامح در برخوردهای قضایی، نحوه معیوب اتخاذ سیاست کیفری و میزان تناسب و اثربخشی آن، فقدان ارائه تعریف مشخص از جرایم اقتصادی، مراجع تقنینی متعدد در حوزه جرایم اقتصادی، تکثرگرایی در سیاست جنایی قضایی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی، فقدان سیاست جنایی منسجم و واحد و امنیت مداری سیاست جنایی در جرایم اقتصادی، از جمله چالش‌ها و آسیب‌های موجود در سیاست جنایی فعلی ایران در قبال جرایم اقتصادی است.

واژگان کلیدی: سیاست جنائی، جرایم اقتصادی، سیاست کیفری، سیاست پیشگیرانه، قانون مجازات اسلامی

نحوه استناددهی: روشندل، شهرام، اسماعیلی، مهدی، و حاجی تبار فیروزجانی، حسن. (۱۴۰۳). سیاست جنائی ایران در زمینه جرایم اقتصادی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۲)، ۱۸۹-۱۵۷.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۹ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۷ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۳



نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل موثر جرم و مهار پدیده‌های مجرمانه است. جرایم اقتصادی به خاطر تاثیر گذار بودن بر تمام سطوح جامعه، یکی از مسائل چالش برانگیز در جهان می‌باشند. که کشور ایران مستثنی نخواهد بود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی سایر کشورها، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جرایم عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد. بدلیل اهمیت موضوع جرایم اقتصادی، تحلیل سیاست جنایی در مورد جرایم اقتصادی در همه ابعاد آن اعم از تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی ضروری است. سیاست جنایی ایران در خصوص جرایم اقتصادی، به شکلی افتراقی نسبت با سایر جرایم می‌باشد. نخستین تصور از افتراقی شدن دادرسی اختصاصی شدن دادگاهها باشد. اما چنین برداشتی با حقوق و آزادیهای بشری و اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که فقط دادرسی و دادگاه نظامی را به عنوان دادگاه اختصاصی پذیرفته است در تعارض است. از این رو، باید گفت افتراقی شدن ناظر به تشدید، تفرق و جزیره‌ای شدن دادرسی است (Pakneat, 2017). توجیه رسیدگی کیفری افتراقی جرایم اقتصادی با لحاظ سه مؤلفه و با سه معیار اصلی سنجیده می‌شود. سه مؤلفه حاکم بر جرایم اقتصادی عبارت هستند از: نخست، جرایم اقتصادی جرایمی اصیل نیستند و با ویژگی عارضی از جرایم عمومی تشکیل می‌شوند. دوم، جرایم اقتصادی در ایران رابطه‌ای تنگاتنگ با امنیت ملی دارند. اقتصاد عموماً دولتی و شبه دولتی در ایران و رویکرد متضاد با بازار آزاد سبب شده است جرم اقتصادی عموماً جرم امنیتی هم تلقی شود. سوم، جرایم اقتصادی در مفهوم شکلی و ساختاری (نه ماهوی) عموماً بر رویکرد جهانی و وارداتی استوار هستند. سه معیار برای توجیه افتراقی سازی رسیدگی کیفری جرایم اقتصادی مطرح می‌شوند. هدف پژوهش آسیب شناسی رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی می‌باشد. در جرایم اقتصادی معمولاً در مقایسه با سیاست کیفری سایر جرایم، پیشگیرانه‌تر، سختگیرانه‌تر، بازدارنده‌تر، دقیقتر و فنی‌تر هستند. برای نمونه، جرایمی نظیر جاسوسی و مبارزه با مواد مخدر در گذشته و جرم اقتصادی در یکی دو دهه اخیر را به سبب آثار زیانبار و گسترده‌های که دارند در قالب جرایم خاص قرار می‌دهند. در واقع سیاست جنایی را به منزله تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است؛ زیرا به هر حال در مقابل جرم، واکنش خاصی داشته است. حتی عدم واکنش نیز خود نوعی سیاست جنایی است (Alvani & Sharifzadeh, 2000). در تعبیر خانم دلماس مارتی، سیاست جنایی عبارت است از «مجموعه پاسخ‌هایی که هیات‌الاجتماع اعم از دولت و جامعه محلی به پدیده مجرمانه سامان می‌بخشد». هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل موثر بزهکاری و مهار پدیده‌های مجرمانه است. هدف از سیاست جنایی در حوزه اقتصاد، مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی است. دولت‌ها همواره تلاش دارند با سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های گوناگون، خود را در حوزه اقتصاد کارآمد جلوه دهند؛ چراکه آرامش و ثبات اقتصادی بعنوان مهمترین و مبنایی‌ترین مولفه امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد (Jamshidi, 2012). بر اساس این تعریف، جرم اقتصادی هر فعل یا ترک فعلی است که به قصد ضربه زدن به ارزش‌های اقتصادی، نظام اقتصادی کشور را مختل کند (Kousha & Sanij, 2017). در مقابل، برخی معتقدند آن دسته از جرایمی که علیه اقتصاد کشور انجام می‌شود یا با این نیت صورت می‌گیرد و یا در عمل نظام اقتصادی کشور را مختل می‌کند، جرایم اقتصادی محسوب می‌شود (Saki, 2011). بواقع جرایم اقتصادی موجب اخلال و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. (Nourzad, 2010). مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می‌کنند. اصولاً جرایم اقتصادی ویژگی‌هایی به این شرح دارند و تا حدی گسترده‌تر از جرایم

کسب و کار هستند: ۱- در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به طور عمده عاملان به دنبال سود است ۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کند ۳- باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد ۴- مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند. فساد در نظام اقتصادی جرمی است که سال‌هاست محور سیاست‌های قانونگذاری ایران بوده است، اما شتابزدگی قانونگذار در تدوین قوانین مرتبط مانع از آن شده است که سیاست جنایی منسجم و قاطعی را در این زمینه دنبال کند. بنابراین موفقیت در امر پیشگیری از جرایم مرتبط با جرایم اقتصادی منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است. روند تحولات قانونگذاری جرم یقه سفید در دهه‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از آن است که به رغم تکرار ارتکاب جرایم سنگین یقه سفید در طول این سالها، مقررات ناظر بر این جرایم تغییرات نامتوازی را تجربه کرده است. در برخی زمینه‌ها و برخی ادوار، شدت عمل بسیار بالا و در دوره‌های دیگر واکنش‌های بسیار خفیفی نسبت به جرایم یقه سفید اعمال شده است (Najafi Abrandabadi & Hashem Beigi, 2014)

سیاست کیفری و تقنینی ایران بعنوان یک شق از شقوق سیاست جنایی در زمینه برخورد با این جرایم با چالش‌های متعددی روبرو می‌باشد. مراجع قانونگذاری متعدد، عدم مشخص بودن مفهوم مفاسد اقتصادی، فقدان ضابطه مشخص در خصوص این جرایم و... از چالش‌های سیاست کیفری ایران در مبارزه با مفاسد اقتصادی است. قانونگذار ایران با تصویب قوانین متعدد سعی در شناسایی عوامل موثر در وقوع فساد اقتصادی و پیشگیری و مجازات مرتکبین این جرائم صورت داده است. علی‌رغم گستردگی این چالش، از سویی دیگر قانونگذار هیچ تعریفی از جرم اقتصادی ارائه نداده است. لذا طبیعتاً امکان استخراج معیارهای تمییز جرایم اقتصادی از تصریح مقنن موضوعاً منتفی است. پیچیدگی ساختار جرایم اقتصادی و ویژگیهای خاص مصادیق آن بگونه‌ای است امکان ارائه یک تعریف کامل که دربردارنده همه اقسام جرایم اقتصادی باشد، با مشکل مواجه کرده است. بطوری که برخی معتقدند ارائه تعریف جامع و مانع از جرایم اقتصادی ممکن نیست.

در سیاست قضایی ایران مهمترین چالش‌ها در رویارویی با جرایم موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور، تعدد مراجع رسیدگی کننده، تفاسیر و برداشت‌های دوگانه دادگاه‌های رسیدگی کننده از عبارات و واژه‌های مذکور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ شمسی و همچنین نبود دادسرا و دادگاه‌های تخصصی در سطح استان‌های کشور، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی تخصصی به این گونه جرائم است. همچنین بدلیل مصلحت‌گرایی نیز موجب خدشه به اصل ۲۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۰ «همه افراد در برابر قانون مساوی اند.» گردیده است. لذا می‌توان گفت از دلایلی که در سال‌های اخیر جرایم اقتصادی در ایران روند صعودی داشته‌اند، سیاست مصلحت‌اندیشی و احتیاطی نظام قضایی و نظارتی جمهوری اسلامی ایران در برخورد قانونی با برخی اشخاص، نهادها و سازمان‌هایی است که مرتکب این گونه جرائم می‌شوند. در واقع عدم قاطعیت نهادها و دستگاه‌های نظارتی موجب نفوذ مفسدان اقتصادی به درون نظام اجرایی، قضایی و تقنینی کشور شده است (Najafi Abrandabadi & Sabouripour, 2005). لذا ضرورت دارد سیاست قضایی ایران با تشهیر مجرم و شفاف سازی عملکرد دستگاه قضایی با انتشار حکم محکومیت قطعی مجرمین، ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی تعویقی و تعلیقی و سکوت در خصوص سایر نهادهای ارفاقی مانند نظام نیمه آزادی، معافیت از مجازات، آزادی الکترونیکی و همچنین تعمیم زمانی سرزنش‌پذیری بواسطه منع اعمال قاعده مرور زمان اقدام نماید (Khani & Shiri, 2013). پاسخ‌های عوام‌گرانه و پوپولیستی که منجر به عملکرد مقطعی و در پاسخ به فشارهای اجتماعی می‌گردد. در سیاست اتخاذ شده، تأکید و توجه بر حمایت از بزه‌دیده جرم است و به حقوق متهم التفاتی نگردیده است (Mahdavi Pour, 2011).

- الف: معنای لغوی جرایم و فساد اقتصادی

واژه فساد در لغت به معنی تباهی، در اصطلاح از فعل لاتین «رومپر» به معنای شکستن است. بانک جهانی فساد را این‌گونه تعریف می‌کند: «سوءاستفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی» فساد و جرائم اقتصادی موجب محرومیت و فقر می‌شود (Saniei Monfared, 2001). فساد از ریشه فسد و به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با واژه Corruption و ریشه لاتینی Rumpere مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. به این معنا، فساد هر پدیده‌ای است که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد.

- ب: معنای مصطلح جرم اقتصادی

«جرایم اقتصادی به دسته‌ای از رفتارهای غیر قانونی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها امنیت اقتصادی در سطح کلان است.» (Dehkhoda, 2006). همچنین در جایی دیگر آمده است: «جرم اقتصادی عبارت است از کلیه رفتارها و سوءرفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی و یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌شود.» (عباس زادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸) اما تعریفی که اکثر حقوقدانان بر آن اتفاق نظر دارند این است که: «جرایم اقتصادی جرایمی هستند که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند که یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند.» (Saki, 2011).

- ج: عدم اتفاق نظر در تعریف جرم اقتصادی

مهم‌ترین چالش در مبارزه با جرائم اقتصادی ارائه تعریفی مناسب از آن‌ها است. با وجود اینکه سالها از عنوان شدن جرم اقتصادی در کشورهای مختلف مجامع بین‌المللی می‌گذرد و سیاست‌های ملی در قالب قوانین کیفری داخلی و سیاست‌های فراملی در قالب کنوانسیونهای بین‌المللی نظیر پالرمو و مریدا، برای مبارزه با جرائم و فساد اقتصادی پا به عرصه وجودی گذاشته‌اند، اما تاکنون تعریفی جامع مورد اتفاق برای این نوع جرم ارائه نشده است. اگر بر این باور باشیم که جرم اقتصادی ویژگی‌های خاص خود را دارد که به نوبه خود نوع برخورد با آن‌ها را دگرگون می‌کند پس باید تعریفی از آن به دست داد تا حدود و مصداق‌های آن با دیگر جرائم دچار همپوشانی نشود. جرائم اقتصادی در کنار واژگانی چون فساد و جرائم سازمانیافته از علوم سیاسی و اقتصادی به جرم‌شناسی راه یافته‌اند و جرم‌شناسی چون در پی بررسی علل وقوع جرم و نحوه شناسایی مجرمین و پیشگیری از این قبیل جرائم می‌باشد؛ چندان در پی شناسایی دقیق جرائم اقتصادی و تفکیک صحیح این اصطلاح از عناوین مشابه نیست. در حالی که در حقوق کیفری اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها می‌طلبد تا مفاهیم به درستی از هم تفکیک شوند (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۱۴۳). گروهی دیگر جرائم اقتصادی را جرایمی می‌دانند که علیه نظام تولید، توزیع یا مصرف اقتصادی، به وقوع بپیوندد. بنابراین بسیاری از جرائم صنفی همچون گرانفروشی یا کم‌فروشی یک جرم اقتصادی خواهند بود (Tavsali Zadeh, 2013). در جایی این چنین آمده است: «منظور از جرائم اقتصادی، جرایمی است که علیه سیاست اقتصادی دولت و برنامه‌ریزی اقتصادی آن صورت می‌گیرد. از جمله این جرائم می‌توان به جرائم گمرکی، جرائم ارزی، مالیاتی، احتکار و... اشاره کرد.» (A'Zami Moghadam, 2011). تعریفی دیگری به این شرح جرم اقتصادی را تعریف کرده است: «جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی می‌باشد. این تعریف شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است. این تعریف یکی از ارکان جرم اقتصادی یعنی نتیجه و آثار آن را «اختلال در نظام اقتصادی» ذکر نکرده است و در آخرین تعریف این بخش، جرم اقتصادی به «هر گونه فعل یا ترک فعلی است که به قصد ضربه زدن به ارزشهای اقتصادی، موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور گردد»

تعریف شده است (Mahdavi Pour, 2011). در تعریف آخر عنصر اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌تواند مفهومی وسیع‌تر داشته باشد. جرم اقتصادی از سه جهت قابل بررسی است: الف. مرتکب؛ ب. قصد ارتکاب، ج. نتیجه حاصله.

بنابراین سه عامل می‌توان جرم اقتصادی را به‌عنوان یک تعریف جامع و مناسب، این‌گونه تعریف کرد:

به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که توسط افراد با سطح هوش و نفوذ بالا و استفاده از ابزارهای قدرتمند، در پی کسب امتیازات مالی، در بستر نظام مالیاتی، بانکی، حمل‌ونقل و مصرف با قصد ضربه زدن به سیستم اقتصادی ارتکاب می‌یابد و در نتیجه موجب اخلال عمده در چرخه نظام و فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد.

در راستای همگرایی جهانی در مبارزه با جرائم اقتصادی، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) در سال ۲۰۰۳ به تصویب دولت‌های شرکت‌کننده رسید. کنوانسیون مریدا به امضای دولت ایران نیز رسیده و در جلسه علنی خردادماه سال ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی در آمده است. کنوانسیون مریدا با یک مقدمه، ۷ فصل و ۷۱ ماده تنظیم شده است و در ۱۱ ماده آن جرم‌انگاری صورت گرفته است. جرم‌انگاری افعالی که در متن کنوانسیون به‌عنوان جرم اقتصادی قلمداد شده و الزام دولت‌های عضو به تأسیس این عناوین مجرمانه در حقوق کیفری داخلی خود از نتایج کنوانسیون مریدا است (Saki, 2011).

- د: تعریف جرم اقتصادی به اعتبار مرتکب جرم

در این دسته از تعاریف انگیزه مالی مرتکب، موقعیت و حرفه اقتصادی مرتکب یا شخصیت حقوقی تجاری مرتکب، محور تعریف جرم اقتصادی قرار می‌گیرند. برای مثال «جرم اقتصادی جرمی است که برای به‌دست آوردن منافع مادی و اقتصادی صورت می‌گیرد» یا «جرم اقتصادی جرمی است که توسط فعالان اقتصادی در طی فعالیت اقتصادی برای به‌دست آوردن منافع و امتیازهای غیرقانونی اقتصادی صورت می‌گیرد.» در برخی از این تعاریف تحصیل عینی عواید مالی و منافع اقتصادی نیز وارد می‌شود.

مفهوم سیاست جنایی

سیاست به طور مختصر و ساده عبارتست از درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه، بدین‌سان سیاست جنایی از یک‌سو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی (انحراف)، در ارتباط است. اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط فون فوئر باخ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد از نظر او سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد امروزه در مفهوم موسع «سیاست جنایی عبارت است از: کلیه تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه‌ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده می‌شود» (Najafi Abrandabadi & Sabouripour, 2005). کاربرد عنوان سیاست جنایی یا سیاست جزایی یا سیاست کیفری در ایران از دهه دوم قرن چهاردهم شمسی توسط اساتید حقوق جزا و جرم‌شناسی شروع شده است ولی سیاست جنایی به طور جدی از اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی با ترجمه و تألیف چند مقاله و کتاب وارد حقوق ایران شد و از آغاز سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸ به عنوان یک درس اصلی با ارزش دو واحد در برنامه درسی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی پیش‌بینی و تدریس شد (Najafi Abrandabadi & Sabouripour, 2005).

- بند سوم: ویژگی‌های جرم اقتصادی

- الف: مالی بودن جرم اقتصادی

اولین ویژگی که می‌توان در خصوص جرایم اقتصادی نام برد ویژگی «مالی بودن» این جرایم می‌باشد. اما جنبه مالی بودن این جرایم با سایر جرایم مالی کاملاً متفاوت است (Nourzad, 2010). در واقع جرایم اقتصادی گونه‌ای خاص از جرایم مالی است که به دلیل گستردگی و تأثیر قابل ملاحظه آن بر اقتصاد جامعه، موجب اخلال در اقتصاد شده و طیف وسیعی از سازوکارهای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که جرایم اقتصادی الزاماً نباید موجب اخلال در نظام اقتصادی یا اجتماعی شوند زیرا وجود این مقاصد تنها از موجبات تشدید مجازات مرتکب جرم اقتصادی است. بنابراین اموال در جرایم اقتصادی برخلاف جرایم علیه اموال، همواره موضوع مستقیم نیستند. لذا شخصی که سیاست اقتصادی یک کشور را نقض می‌کند، ممکن است هدف تحصیل مال یا از بین بردن آن مال را نداشته باشد.

- ب: چند وجهی بودن موضوع جرم اقتصادی

موضوع جرم که به عنوان جزئی از رکن مادی جرم مورد بحث قرار می‌گیرد، یعنی آنچه که مورد حمایت قانون گذار بوده و مجرم، رفتارهایی را علیه آن انجام می‌دهد. بنابراین یکی از ویژگی‌هایی که برای موضوع جرایم اقتصادی بیان شده است، چند وجهی بودن آن است. لذا در مورد این دسته از جرایم باید میان موضوع غایی و موضوع مستقیم فرق گذاشت. منظور از موضوع غایی موضوعی است که در قصد مرتکب باشد یا در نهایت رفتار مجرمانه بر آن اثر بگذارد. بنابراین امنیت اقتصادی یا نظام اقتصادی یک کشور موضوع غایی یا نهایی جرایم اقتصادی است. البته موضوع مستقیم این جرایم متنوع می‌باشد که در برخی موارد اموال مردم یا دولت موضوع جرم است. مانند: اختلاس و کلاهبرداری، در برخی موارد اعتماد عمومی و سلامت روابط اداری مانند: ارتشاء و در برخی موارد نیز حیات اقتصادی انسان‌ها موضوع جرم قرار می‌گیرد. مانند: اخلال در نظام تولید و توزیع خدمات و مواد ضروری (Nourzad, 2010). لذا نباید پنداشت که جرایم اقتصادی تنها با اهداف مادی و مالی ارتکاب می‌یابند، هرچند در عمل ممکن است در بسیاری از موارد در این جرایم هدف اصلی مرتکب کسب سود مادی باشد.

- ج: قراردادی بودن جرم اقتصادی

یکی از گونه‌های تقسیم بندی جرایم، تقسیم بندی آن‌ها به دو دسته طبیعی و قراردادی است. جرم طبیعی، جرمی است که فی نفسه جرم باشد و قانون در پدید آوردن آن نقشی نداشته و همواره در طول تاریخ حقوق کیفری جرم محسوب می‌شده است. اما جرم قراردادی جرمی است که جامعه در بستر زمانی با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صنعتی آن‌ها را قابل کیفر دانسته است و در واقع ارتباط مستقیم با تمدن امروزی دارد (Najafi Abrandabadi & Hashem Beigi, 2014). همان گونه که پیش از این نیز بیان گردید، جرایم اقتصادی به اعتبار پیشرفت و تحولات اقتصادی در سده‌های اخیر، یکی از بزرگترین و در عین حال مهم‌ترین جرایمی است که تمام جوامع به نوعی با آن مواجه می‌باشند. هر چند که برخی از مصادیق جرایم اقتصادی مانند ارتشاء در طول تاریخ بوده است، ولی بیشتر مصادیق آن چهره طبیعی و مطلق نداشته و قراردادی هستند و همگام با پیشرفت جامعه بشری قانون گذار آن‌ها را در جهت حفظ نظم و امنیت اجتماعی به طور قراردادی جرم انگاری نموده است.

- د: کلان بودن جرم اقتصادی

کلان بودن نیز یکی دیگر از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های جرایم اقتصادی می‌باشد. وجود این ویژگی موجب تمایز جرایم اقتصادی با سایر جرایم می‌گردد. لذا زمانی که بحث از امنیت اقتصادی و نظام اقتصادی می‌شود، ویژگی کلان بودن به ذهن متبادر می‌گردد. بنابراین جرایمی را باید اقتصادی دانست که کل کشور یا بخشی از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا همان طور که قبلاً ذکر شد برخی از حقوقدانان با توجه به این ویژگی، جرایم اقتصادی را این گونه تعریف کرده اند: «جرایم اقتصادی به دسته‌ای از رفتارهای غیر قانونی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها امنیت اقتصادی در سطح کلان است.» ویژگی کلان بودن به سه حالت مختلف نمایان می‌گردد:

الف: موضوعی که جرم بر ضد آن واقع شده است، از یک رقم تعیین شده قانونی فراتر باشد. ب: رفتار فیزیکی فرد می‌باشد که در مکان‌های مختلف ارتکاب یابد و کل کشور یا بخشی از آن را تحت تأثیر قرار دهد.

ج: آثار جرم را در بر می‌گیرد که به اندازه‌های شایع و گسترده می‌باشد که عملاً زندگی مردم و امنیت اقتصادی را مختل می‌نماید (Nourzad, 2010).

بنابراین بهترین روش تعیین کلان بودن یک جرم، تعیین قانونی یک مبلغ معین است، در غیر این صورت سایر معیارها نسبی هستند و ممکن است در عمل، یک قاضی یک رفتار را جرم اقتصادی بداند و قاضی دیگر همان رفتار را جرم اقتصادی نداند. لازم به ذکر است که احصاء برخی از جرایم به عنوان جرایم اقتصادی با ویژگی کلان بودن سازگاری ندارد و حتی شرط کلان بودن لحاظ نمی‌گردد. زیرا احصاء برخی از جرایم مانند: اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری، به عنوان جرم اقتصادی به نوعی نام گذاری دوباره بوده و سودی بر آن مترتب نیست. به هر حال در نظام حقوقی ایران شرط کلان بودن با توجه به قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب سال ۱۳۶۹ و اصلاحیه ۱۳۸۴ و همچنین به موجب اصلاحات صورت گرفته در ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و نیز دستور العمل‌های رئیس قوه قضائیه در خصوص تشکیل مجتمع امور اقتصادی پذیرفته شده است (Nourzad, 2010). لازم به ذکر است که در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از تعبیر جرم اقتصادی یاد شده و هر دو جنبه معیاری و احصایی این جرایم پذیرفته شده است. البته در این قانون سخنی از جرایم اقتصادی به میان نیامده و تنها در تبصره ماده ۳۶ این قانون به مصادیق آن اشاره گردیده است. همچنین در بند ج از ماده ۴۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار با ملاک قرار دادن وجه معیاری، یعنی تعیین مبلغ معین قانونی، بیان می‌دارد: «جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال قابل تعلیق نمی‌باشد.»

ه: مقید بودن جرم اقتصادی

در مورد این ویژگی جرایم اقتصادی، باید بیان داشت که نتیجه جرم اثری است که بر جرم مترتب می‌شود و جرایم از این جهت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: جرایم مقید که تحقق آن‌ها مقید به حصول نتیجه می‌باشد. بدین معنا که تا آن نتیجه به وجود نیاید جرم نیز به وجود نمی‌آید. مانند قتل که مقید به خارج شدن روح از جسم مجنی علیه می‌باشد.

ب: جرایم مطلق، یعنی جرایمی که حصول آن‌ها منوط به تحقق نتیجه در خارج نمی‌باشد. از آن جهت که نتیجه جرم همان رفتار فیزیکی است و به محض اینکه این رفتار فیزیکی رخ دهد نتیجه جرم نیز محقق شده است. به نظر می‌رسد که جرایم اقتصادی عمدتاً مقید به حصول نتیجه هستند که این نتیجه می‌تواند متنوع باشد. در برخی از مصادیق جرایم اقتصادی نتیجه، تحصیل مال و منفعت مالی می‌باشد. مانند: اختلاس. در برخی از رفتارهای دیگر، اخلاص در نظام اقتصادی می‌تواند به عنوان نتیجه مجرمانه باشد. مانند: احتکار. همچنین در برخی دیگر از رفتارها.

- و: عدم شمول مرور زمان جرم اقتصادی

در ابتدا باید بیان داشت که در مورد ماهوی یا شکلی بودن این ویژگی میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. لیکن به نظر می‌رسد که مرور زمان یا عدم شمول آن را ویژگی خود جرم ندانیم و آن را یک امر شکلی تلقی کنیم. با چنین تعبیری این خصیصه از ویژگی‌های عارضی جرایم اقتصادی محسوب می‌شود. بنابراین پرونده‌های جرایم اقتصادی با توجه به وقت گیر بودن و پیچیده بودن آن‌ها، دشواری کشف جرم و سپس تعقیب و محاکمه مرتکبان و احتمال نفوذ آن‌ها در جریان دادرسی و نیز در جهت احقاق حقوق عمومی، غالباً پذیرفته شده است که این دسته از جرایم مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرد. البته این عدم شمول به نظر نگارنده کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، زیرا با اعمال این سیاست قانون گذار از فرار مرتکبین آگاه و و دارای وکلای خبره و تضییع حقوق فرد و جامعه که اغلب متحمل ضررهای جبران ناپذیری می‌شوند جلوگیری می‌نماید.

- ز: غیر قابل گذشت بودن جرم اقتصادی

آثار جرایم اقتصادی مشمول اکثریت افراد جامعه می‌شود و متضرر این جرایم عموم مردم هستند. بنابراین جرایم اقتصادی با توجه به آثار و تبعات اجتماعی عمدتاً غیر قابل گذشت محسوب می‌شوند. به همین دلیل تعقیب و محاکمه مرتکبین جرایم اقتصادی منوط به طرح شکایت توسط شاکی خصوصی نیست و مراجع قضایی، صرفنظر از شکایت شاکی خصوصی یا عدم شکایت وی، مستقیماً مکلف به تعقیب مرتکبین اینگونه جرایم هستند (Saki, 2011). نهایتاً با توجه به اینکه جرایم اقتصادی در قوانین و مقررات موضوعه صراحتاً پیش بینی نشده اند، لذا ذکر تمامی این ویژگی‌ها با برداشت از روح و تفسیر قانون می‌باشد؛ نه نص و ظاهر قانون. بنابراین بیان این ویژگی‌ها به معنای انحصار آن‌ها نیست، بلکه سعی بر آن بوده تا بارزترین ویژگی‌های جرایم اقتصادی بیان گردد.

- بند چهارم: ویژگی‌های مجرم اقتصادی

همان طور که گفته شد، برای شناسایی بهتر جرایم اقتصادی علاوه بر آشنایی با ویژگی‌های جرم اقتصادی، شناخت خصایص مجرمین اقتصادی و نقش مرتکبین این جرایم در تحقق این پدیده ضروری می‌باشد. مرتکب جرم اقتصادی، دارای توانایی در انطباق پذیری بیشتری با هنجارهای اجتماعی است و در ظاهر، به این گونه هنجارها و قوانین و مقررات جامعه احترام گذاشته، به طوری که به سختی می‌توان پذیرفت که چنین افرادی مرتکب جرم شوند. حال با این مقدمه، در زیر به مهم‌ترین ویژگی‌های مجرمین جرایم اقتصادی اشاره می‌نماییم:

- الف: قانون مداری ظاهری

مرتکبین جرایم اقتصادی معمولاً افرادی به ظاهر قانون مدار و آگاه به قوانین و مقررات هستند و همان گونه که پیش از این اشاره گردید، سعی بر آن دارند تا برای جلب نظر عموم در ظاهر، کوچک‌ترین تخطی از قوانین و مقررات ننمایند. همین امر شرایط را برای ارتکاب جرم توسط این افراد فراهم می‌آورد. از جمله مهم‌ترین کارکردهای قانون مداری ظاهری برای مجرمین اقتصادی به شرح ذیل می‌باشد:

- حفظ موقعیت شغلی و اعتباری و ارتقای آن؛
- عدم جلب گمان و تردیدها به سمت عملکرد شخصی آنها؛
- عدم یا کاهش سرکشی‌ها و بازرسی‌ها؛
- عدم باور مردم به هنجارشکنی در صورت تعقیب؛
- دشواری تعقیب و محاکمه؛

• ایجاد بستر مناسب برای ارتکاب جرم؛

• تحصیل سود و منفعت و افزایش روز افزون حاصل از آن (Nourzad, 2010).

- ب: جذب نزدیکان و آشنایان

یکی از دلایل جذب آشنایان و نزدیکان از سوی مجرمین اقتصادی که خود نیز دارای شغل مهم و معتبر می‌باشند، شناخت و اعتماد به چنین اشخاصی عنوان شده است، تا در مواقع لزوم با وی همکاری نموده و یا گاهی سبب تسهیل ارتکاب جرم توسط وی شوند. (شامبیاتی، ۱۳۸۶، ص ۷۵) بنابراین به نظر می‌رسد، مرتکب جرایم اقتصادی همواره سعی بر آن دارد تا اهداف خود را با بهره‌گیری از اشخاصی که به نحوی به روحیات، شخصیت و توانایی آن‌ها آشنایی نسبی دارد عملی سازد. به طوری که در غالب موارد، این ویژگی در تشکیل باندهای تبهکارانه برای ارتکاب جرایم اقتصادی کاملاً محسوس می‌باشد.

- ج: عادت به ارتکاب جرم

عادت به ارتکاب جرم در واقع ویژگی بارز «مجرمین مزمن» یا «بزهکاران زودرس» می‌باشد. «بزهکاران زودرس کسانی هستند که نخستین جرم ارتكابی آنها، زودتر از رسیدن آن‌ها به سن متعارف می‌باشد. مجرمین مزمن نیز کسانی هستند که ظرفیت جنایی بالایی دارند اما استعداد جامعه‌پذیری آن‌ها ضعیف است.» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) البته به نظر می‌رسد، مجرم اقتصادی نیز به جهت وجود شرایط و بستری که با قانون مداری و اعتماد سازی ظاهری ایجاد می‌نماید، زمینه ارتکاب مستمر جرم را فراهم می‌کند و نوعی به ارتکاب آن عادت می‌کند. لذا از این روست که مجرمین اقتصادی به صورت حرفه‌ای در آمده و برای جامعه بسیار خطرناک می‌باشند.

- د: غیر خشن بودن

جرایم اقتصادی فی نفسه به گونه‌ای نیست که مرتکب به خشونت یا اعمال فیزیکی دست بزند و معمولاً در زمره جرایم غیر خشن هستند. البته این ویژگی، مطلق نیست و چنانچه این جرایم به صورت سازمان یافته و در سطح گسترده‌ای با قدرت زیاد همراه باشد، خشونت در آن‌ها اجتناب ناپذیر می‌باشد (Nourzad, 2010).

- ه: جرایم خاص با ماهیت اقتصادی

جرائم با انگیزه اقتصادی و با ماهیت اقتصادی مانند اختلاس، جعل و کلاهبرداری، رشوه‌گیری کمیسیون‌گیری معاملات آگاهانه زیان آور، خرید و فروش کالاهای ممنوع، قاچاق کالا، عدم انجام تعهدات مالی، خیانت در امانت، پولشویی، تقلب در معاملات دولتی و غیره دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن‌ها را از سایر جرائم مجزا و متمایز می‌کند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ماهیت دولتی بودن آن‌ها (در اغلب جرائم اقتصادی، دولت هدف یا قربانی جرم است).

۲- پنهان بوده و کمتر فاش می‌شوند.

۳- به علت قالب بودن جنبه عمومی به جنبه خصوصی، شاکی پیگیر ندارد.

۴- متضرر از جرم اقتصادی فرد نیست؛ بلکه جامعه است.

۵- آثار و پیامدهای آن به صورت فوری بروز نداشته، بلکه در دراز مدت آثار آن هویدا می‌شود.

۶- در نزد جامعه از مزومیت و حساسیت کمتری نسبت به سایر جرائم برخوردار است.

۷- مرتکبان این جرم، افرادی به ظاهر متشخص و دارای جایگاه اجتماعی بالایی هستند.

۸- مجرمان اقتصادی از حمایت افراد ذی‌نفوذ و صاحب قدرت در دولت و حاکمیت برخوردارند.

۹- جرمی سازمان یافته، بین‌المللی و فراملی است.

۱۰- جرائم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، مؤسسه یا شرکت یا یک سازمان رخ می‌دهد (Doagooiyan, 2013).

- بند پنجم: ارکان تشکیل دهنده جرم اقتصادی

- الف: رکن قانونی

طی سال‌های اخیر و با افزایش جرایم اقتصادی در سطح جامعه، این گونه جرایم مورد توجه مسئولان نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. لذا به نظر نگارنده نیز یکی از ملزومات و پیش شرط‌های مبارزه با این جرایم، تدوین قوانین و مقررات مناسب و به کار بستن صحیح آنهاست. بر همین اساس کلیه نهادهای سیاست گذاری کشور از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، به نوعی نسبت به مبارزه و پیشگیری از جرایم اقتصادی اهتمام دارند. از جمله این قوانین و مقررات می‌توان به فرمان مقام معظم رهبری مصوب سال ۱۳۸۰ در مورد مبارزه همه جانبه با مفساد اقتصادی اشاره نمود. همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبات متعددی در زمینه جرایم اقتصادی به تصویب رسانید. به عبارت دیگر می‌توان گفت هیچ مرجعی در راه مبارزه و پیشگیری از جرایم اقتصادی، به اندازه مجمع تشخیص مصلحت نظام فعال نبوده است. از جمله مصوبات این مجمع در مبارزه با جرایم اقتصادی، قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ و قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۸۹ می‌باشد. در حقوق موضوعه کشورمان، قانون خاصی با عنوان «قانون جرایم اقتصادی» وجود ندارد و قانون مجازات اسلامی نیز فصل جداگانه‌ای را به جرایم اقتصادی، اختصاص نداده است. هرچند که برخی از جرایم مالی مانند: ربا، ارتشاء، کلاهبرداری، تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و ورشکستگی در این قانون پیش بینی شده است. البته ناگفته نماند که قوانین متفرقه متعددی نیز در زمینه مصادیق جرایم اقتصادی به تصویب رسیده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌نمایم:

- قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات، مصوب ۱۳۱۵ که به طور ضمنی به برخی از مصادیق جرایم اقتصادی اشاره می‌نماید؛
- قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ با اصلاحات بعدی؛
- قانون جمع آوری و فروش کالای ممنوع و غیر مجاز مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۲؛
- قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۰۵/۲۵؛
- قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مصوب ۱۳۵۰/۰۱/۲۶؛
- قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۳۰ با اصلاحات بعدی؛
- قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ راجع به قاچاق اتباع خارجی با اصلاحات بعدی؛
- قانون نحوه جمع آوری و فروش کالای متروکه قاچاق و ضبطی مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۱۱؛
- قانون مشمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گران فروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹؛ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۰۷/۰۴؛
- قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳؛
- لایحه قانونی راجع به قاچاق طلا و نقره و ارز و جواهرات مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۵ توسط مسافرین یا قاچاقچیان؛

- قانون راجع به قاچاق دارو و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی،
- قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۸۹/۰۸/۰۳؛
- قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ اصلاحی سال ۱۳۸۴؛
- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ راجع به ساختن و ترویج تقلبی مسکوکات طلا و نقره و غیر آن؛
- جرایم و تخلفات ارزی قانون پولی و بانکی سال ۱۳۵۱؛
- قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات راجع به قاچاق مشروبات الکلی مصوب سال ۱۳۷۵؛
- قانون مبارزه با پول شویی مصوب سال ۱۳۸۶؛
- قانون بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۸۴؛
- قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب سال ۱۳۶۸؛
- قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲.
- با توجه به آنچه بیان شد، تمامی قوانین ذکر شده جزء منابع اصلی و الزام آور حقوق کیفری اقتصادی می‌باشند. هرچند که در کنار این منابع اصلی، منابع فرعی نیز همچون رویه قضایی، اندیشه‌های علمای حقوق و عرف و عادت نیز وجود دارد.

- ب: رکن مادی

بسیاری از مقررات حاکم بر رکن مادی جرایم اقتصادی همان مقررات حاکم بر سایر جرایم می‌باشد. اما برخی مقررات اختصاصی نیز وجود دارد که خاص جرایم اقتصادی می‌باشد. اکنون در زیر به اجزای تشکیل دهنده رکن مادی جرایم اقتصادی می‌پردازیم.

۱- رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی شرط تحقق هر جرمی است و صرف اراده برای تحقق جرم کفایت نمی‌کند. رفتار فیزیکی در قالب فعل یا ترک فعل تحقق می‌یابد. جرایم اقتصادی نیز همانند سایر جرایم تنها از طریق ارتکاب فعل مثبت محقق می‌شوند و ارتکاب جرایم اقتصادی با ترک فعل بعید به نظر می‌رسد. هرچند به نظر نگارنده، برخی از جرایم اقتصادی نظیر احتکار کلان ارزاق و مایحتاج عمومی اصولاً از طریق ترک فعل که به صورت عدم عرضه و توزیع کالا در بازار می‌باشد محقق می‌شود.

۲- موضوع جرم

یکی دیگر از اجزای مهم رکن مادی جرایم اقتصادی، موضوع جرم می‌باشد که در تعریف آن آمده است: «موضوع جرم چیزی است که رفتارهای ممنوع شده از سوی قانون گذار علیه آن واقع می‌گردد.» یکی از ویژگی‌هایی که برای موضوع جرایم اقتصادی بیان شده است، «چند وجهی بودن» آن است. در واقع موضوع مستقیم جرایم اقتصادی، اموال عمومی و دولتی است. اما قصد مرتکب ضربه زدن به نظام اقتصادی و امنیت اقتصادی یک کشور می‌باشد (Nourzad, 2010). به عبارت دیگر موضوع جرایم اقتصادی یا به قصد ضربه زدن به نظام و امنیت اقتصادی می‌باشد که به آن «موضوع غایی» گویند و یا اموال مردم و دولت موضوع این جرم می‌باشد که به آن «موضوع مستقیم» گفته می‌شود.

۳- نتیجه مجرمانه

همان طور که قبلاً نیز اشاره گردید، جرایم اقتصادی عمدتاً مقید به حصول نتیجه هستند. ولی با توجه به اینکه امکان دارد اقتصاد کشور دارای چنان قوت و استحکامی باشد که صدمه به آن وارد نشود یا جرم ارتكابی در حد و اندازه‌ای نباشد که موجب لطمه شود، قانون گذار تحقق برخی از مصادیق جرایم اقتصادی را منوط به وارد شدن لطمه به اقتصاد کشور و برنامه‌های اقتصادی نمی‌داند. (مجاهد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶) به نظرمی رسد، نگرش غالب در جرایم اقتصادی آن است که این جرایم از حیث نتیجه در زمره جرایم مقید به شمار می‌آیند، مگر آنکه از فحوای کلام قانون گذار مطلق بودن اینگونه جرایم استنباط گردد.

۴- رابطه سببیت

رکن مادی از رفتار فیزیکی و نتیجه مجرمانه تشکیل می‌شود. اما شرط تحقق رکن مادی، وجود رابطه سببیت میان رفتار فیزیکی و نتیجه مجرمانه است. به عبارت دیگر نتیجه باید متناسب به رفتار فیزیکی باشد. نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد، آن است که جرایم اقتصادی غالباً از جمله جرایم مقیدند و برای تحقق نیاز به حصول نتیجه دارند. لذا می‌بایست میان عمل مرتکب جرم اقتصادی در انجام رکن مادی جرم و نتیجه حاصل شده از آن رابطه سببیت وجود داشته باش به طوری که چنانچه نتیجه حاصل شده قابلیت انتساب را به فرد مرتکب نداشته باشد، بدیهی است که نمی‌توان وی را مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

- ج: رکن معنوی

رکن معنوی در تمامی جرایم نقش مهمی دارد. لذا این رکن در جرایم اقتصادی نیز اهمیت زیادی دارد. هر چند که دیدگاه مخالف این نظر نیز وجود دارد و طرفداران این دیدگاه با توجه به اهمیت و خطرناک بودن این جرایم معتقدند که صرف تحقق مادی این جرایم کفایت می‌کند، بدون اینکه به قصد و نیت مرتکب جرم توجهی شود (Nourbaha, 1999). همان گونه که می‌دانیم، منظور از رکن معنوی، سوء نیت عام و سوء نیت خاص می‌باشد که مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱- سوء نیت عام

باید توجه داشت که جرایم اقتصادی نیز مانند سایر جرایم، نیاز به سوء نیت عام دارند. به عبارت دیگر برای تحقق این جرایم، عالم و عامد بودن مرتکب در انجام رکن مادی جرم و اراده انجام آن، ضرورت دارد. (ولیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۴) در نتیجه جرایم اقتصادی بدون سوء نیت عام محقق نمی‌شوند. بلکه بسیاری از این جرایم علاوه بر سوء نیت عام، نیاز به سوء نیت خاص نیز دارند. هر چند در برخی از جرایم اقتصادی داشتن اهداف خاص مانند: ضربه زدن به نظام اسلامی می‌تواند از موجبات تشدید مجازات مرتکب آن باشد.

۲- سوء نیت خاص

در ارتكاب جرایم اقتصادی مقاصد متفاوتی چون تحصیل اموال نامشروع- اعم از عمومی یا دولتی- قصد مالکیت یا اضرار یا تخریب و همچنین لطمه به نظام اقتصادی کشور وجود دارد. البته همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، جرایم اقتصادی یک موضوع مستقیم دارند و یک موضوع غیر مستقیم که شامل لطمه زدن به نظام و سیاست‌های اقتصادی کشور می‌باشد و سوء نیت خاص جرایم اقتصادی را تشکیل می‌دهد. این سوء نیت خاص در ماده ۲ قانون اخلال در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ مورد توجه قانون گذار بوده است که مقرر می‌دارد: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن

اقدام در مقابله با نظام انجام شود...» نهایتاً در جرایم اقتصادی اصل بر وجود سوء نیت عام و فقدان سوء نیت خاص می‌باشد. پس سوء نیت عام نیازی به اثبات ندارد. اما سوء نیت خاص نیاز به تصریح قانونی دارد و باید به نحو قانونی اثبات شود.

- بند ششم: انواع فساد اقتصادی

جرایم اقتصادی یکی از آسیب‌های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. این موضوع بخصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست. جرایم اقتصادی با زنجیره‌های از جرائم دیگر در ارتباط است؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پولشویی، جعل اظهارنامه‌های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمانیافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارد. پول‌های بادآورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به هم زدن برنامه‌های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت اقتصادی و... وجه مشترک همه انواع جرائم اقتصادی است. به همین دلیل در سرتاسر دنیا، دولت‌ها در صدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند. از طرف دیگر با وجود آنکه بیشترین بار تحقیقات مقدماتی جرائم اقتصادی بر عهده ضابطین دادگستری است، با این حال انسجام لازم در این زمینه وجود نداشته و این امر توسط نهادهای متعددی انجام می‌گیرد، به نحوی که تشتت بسیاری مشاهده شده و حتی برخی از نهادها به لحاظ قانونی، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند. در جرایم اقتصادی، نتیجه مجرمانه یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی است که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرایم را مطرح می‌کند.

فساد اقتصادی صورتهای مختلفی دارد از جمله رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و بازپرداخت که در ادامه به تعریف این موارد می‌پردازیم.

- الف: رشوه

رشوه رایج‌ترین نوع فساد در کسب و کار است. رشوه می‌تواند بین دو فرد و یا یک فرد و یک سازمان عمومی اتفاق بیفتد. رشوه انواع مختلفی دارد. برخی اوقات که به آن پول چرب می‌گویند، محمدجعفر جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه (جزا) دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیررسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل دریافت‌کننده مال نباشد. خواه به طور مستقیم آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد. فرق نمی‌کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و تفاوت نمی‌کند که کاری که برای راشی می‌بایست انجام شود، حق باشد (بر طبق قانون) یا نه.

- ب: کلاهبرداری

کلاهبرداری نوع دیگری از فساد اقتصادی است که اعضای یک شرکت از آن برای منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند. این نوع از کلاهبرداری هم در بخش‌های عمومی و هم در بخش‌های اختصاصی دیده می‌شود. کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است، اما دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از جرایم مذکور جدا می‌کند. از جمله به کار بردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار ویژگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد. به لحاظ اینکه جرم مذکور به روشهای مختلف واقع می‌شود، تحولات اجتماعی در تغییر چهره‌های مختلف کلاهبرداری نقش

مؤثر و مستقیم دارد و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمان حفظ شود و هم کلاهبرداران با اغفال مخاطبین خود اموال آن‌ها را به یغما نبرند.

- ج: اختلاس

برداشتن اجناس شرکت برای استفاده شخصی را اختلاس می‌گویند. اشخاصی که توانایی تنظیم دوباره سرمایه و پنهان کردن این حقیقت که سرمایه مفقود شده است را دارند، متخلف هستند اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت مطرح بوده و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارد. اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر، صورت می‌گیرد و همواره به‌عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌گردد. معیار تحقق جرم اختلاس تصاحب و برخورد مالکانه کردن با مال می‌باشد، می‌توان دایره این جرم را به اموال بانک‌های خصوصی، شرکت‌های سهامی غیر دولتی، احزاب، سندیکاها و نیز به اموال غیرمنقول تعمیم داد.

- د: بازپرداخت

در کسب و کار بازپرداخت به پرداخت‌هایی اطلاق می‌شود که توسط فروشنده‌گان و در عوض قراردادهایی که موجب تورم بیش از حد هزینه کار انجام شده هستند، صورت می‌گیرد. در حقیقت این نوعی کمیسیون است که از قبل در عوض خدمتی که ممکن است استرداد شود به رشوه گیرنده داده می‌شود.

- بند هفتم: عوامل مؤثر بر بروز جرائم اقتصادی

- الف: عوامل با ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی

مهمترین علل بروز فساد اداری ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی است. به گونه‌ای که ارزشها هنجارها و عقاید و باورهای حاکم بر افراد جامعه متکی بر ارزشهای مادی گرایانه و مصرف‌گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشد ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی، ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته و پیامد آن شکل‌گیری فساد در همه سطوح و لایه‌های اجتماعی خواهد بود.

- ب: عوامل با ریشه‌های اقتصادی

رکود اقتصادی، کاهش درآمد، بی‌عدالتی، مادی‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسار گسیخته، عدم تناسب دخل و خرج ناشی از عدم عدالت اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم و توزیع نامناسب درآمدها در جامعه، مشکلات و مسائل معیشتی کارکنان و عدم تناسب هزینه‌ها با درآمد آنان احتمال سوء استفاده از موقعیت شغلی و برخورد نامناسب با ارباب رجوع را افزایش می‌دهد. دلایل عمده رشد جرائم اقتصادی عبارتند از: عوامل ساختاری، مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی، سیستم انتصاب مدیران دولتی، نیروی انسانی و مدیریت منابع، نظام بودجه‌نویسی، وضعیت حقوق و مزایا، شیوه اطلاع‌رسانی و روابط عمومی، دستگاه‌های نظارت و ارزیابی.

ج: عوامل تسهیل کننده

عوامل تسهیل کننده که عمدتاً عوامل سیاسی و عوامل اداری هستند به شرح زیر می‌باشند

۱- عوامل سیاسی

کیفیت کار نظام دیوان سالاری، سطح دستمزد در بخش دولتی، سیستم تنبیه و مجازات، نظارت‌های سازمانی، شفافیت در مقررات، قوانین و روش‌ها، رفتار رهبران و مقامات جامعه (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷ ج، ص ۱۲-۱۰). عدم استقلال قوه قضاییه، نفوذ قوه مجریه در کشورهای غیر کامن لا بر قوه قضاییه و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد سیاست‌مداران عالی رتبه، جوسازی و غوغاسازی، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات و سرانجام عدم آگاهی مردم از حقوق سیاسی خود در برابر قانون از عوامل تسهیل کننده فساد است.

۲- عوامل اداری و مدیریتی تشکیلات و ساختار اداری غیره کارآمد حجیم و نامتناسب با اهداف و وظایف پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری مدیران

غیره موثر فقدان نظام شایسته‌سالاری وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدامی انتصاب و ارتقای افراد، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد نظام پاداش و تنبیه به ویژه نظام نظارت و ارزشیابی ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمان و مانند آن از عوامل اداری تسهیل کننده تخلفات می‌باشند.

ریشه‌ها و عوامل یاد شده موجب ایجاد عارضه‌های در نظام اداری می‌گردد که به اشکال گوناگون جلوه‌گر می‌شود. از جمله کاهش رضایت شغلی، کاهش انگیزش کارکنان، جمود شخصیت، روحیه محافظه‌کاری و سرخوردگی در بین کارکنان، کاهش خلاقیت و نوآوری، کاهش سرعت در انجام امور، تمرکز غیرمنطقی برای انضباط اداری رقابت ناسالم و ایجاد جو بدبینی و بی‌اعتمادی در سازمان علل و عوامل مذکور همراه عوارض آن‌ها موجبات تخلفات اداری را فراهم می‌سازد که در نهایت منجر به فساد اداری می‌شود.

۲- عوامل اخلاقی

بر مبنای رویکرد اخلاقی فساد اداری زمانی اتفاق می‌افتد که کارگزاران دولتی نسبت به اختیار عمومی و نیز بیت‌المال افرادی امانت‌دار و درستکار نباشند و در واقع کجمنشی از آن‌ها سر بزنند. بنابراین در این رویکرد اگر بتوان افراد و کارگزارانی را در مناصب دولتی بکار گرفت که از نظر اخلاقی درست باشند از فساد اداری جلوگیری می‌شود. این رهیافت بیشتر بر این پایه و اندیشه قدیمی استوار است گروه که، و اگر حاکمان و کارگزاران خوبی به کار گرفته شوند نظام خوبی نیز برقرار خواهد شد.

افراد محور این رویکرد هستند و نظامی که براساس آن برپا می‌شود نظام مبتنی بر افراد- و نه قائده و قانون خواهد بود. بی‌گمان این اندیشه در بیشتر کشورهایی که فساد در آن‌ها گسترده است رواج دارد این در حالی است که در اندیشه جدید اکثر نظام‌های سیاسی کشورهای توسعه یافته بر آن بنیاد گذاشته شده است تلاش بر آن است تا نظامی برپا شود که حتی اگر افراد غیره درست کار هم در رأس امور قرار گرفتند نتوانند صدمه چندانی به عموم بزنند.

مبارزه با فساد همواره در برابر مصلحت‌اندیشی‌های گروه‌ها و جناح‌های آسیب‌پذیر بوده و اثر بخشی لازم را نخواهد داشت و همچنین با هرگونه پدیده و تحولی همچون نوگرایی برون‌گرایی و جهانی شدن و مانند آن به بهانه اینکه موجب سست شدن ارزشها و هنجارهای اخلاقی

می‌گردند. بنابراین این رویکرد راهبردهای مبارزه با فساد نه فقط به تعدیل آن منجر نمی‌شود بلکه در بر دارنده هزینه‌های اجتماعی و فرصت‌های زیادی نیز خواهند بود.

- د: عوامل حقوق قضایی

عوامل مربوط به قوانین و مقررات قانون و قانونگرایی یکی از ویژگی‌های جوامع آزاد و سالم است. در این جوامع قانون جایگاه سلیقه‌های فردی را گرفته و به تعیین حدود و ثغور امور می‌پردازد. اما گاهی قانون خود به منشأ و عامل ایجاد فساد تبدیل می‌شود.

۱- تعدد قوانین و مقررات امروزه تورم قوانین و مقررات به ویژه در بخش عمومی غیر قابل تحمل شده است. یعنی علاوه بر کثرت مراجع قانون گذار مراجع قانونگذاری واحد، به صورت روزانه اقدام به وضع حجم عظیمی از قوانین و مقررات بدون انجام بررسی‌های کارشناسی می‌نمایند. اگر در مورد مصوبات مجلس فرآیندهای بررسی در کمیسیونها و کمیته‌های اصلی و فرعی مجلس و مرکز پژوهش‌های مجلس و نیز در درون دولت پیش بینی و تا حدودی کنترلی حداقلی در این زمینه به عمل می‌آید. در مصوبات صادره از مراجع قانونگذاری دیگر عملاً هیچ‌گونه مکانیزم کنترلی به چشم نمی‌خورد. (جلیلی کامجو، ۱۳۹۵)

۲- دشواری کنترل قوانین در مرحله تطبیق در نظام جمهوری اسلامی ایران برای پاسداری از قوانین اساسی و عادی مراجعی پیش‌بینی گردیده است شورای نگهبان پاسداری از قانون اساسی را از مجرای کنترل و تطبیق قوانین مصوب مجلس به عهده دارد در اینجا نیز تولید انبوه قوانین در مجلس و نیز کمیسیونهای داخلی مجلس و دولت سبب می‌شود که شورای نگهبان آنگونه که بایسته جایگاه قانون اساسی و حرمت احکام آن است نقش نظارتی خویش را به دشواری ایفا نماید. برخی اندیشمندان معتقدند مهم‌ترین عامل در عدم شفافیت نظام اداری، دولتی بودن امور است که موجب عدم کارآیی و بازدهی پایین شده است. بی‌علاقگی فرصت‌طلبان به کسب سود از طریق اجرای طرح‌های مولد و سودآور، سلامت نظام اداری را به سوی عدم شفافیت سوق داده و مالکیت و دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌ها، پیامدهای نامطلوبی را پدید آورده است. این دو عامل موجب انحراف سرمایه‌ها، اعتبارات و امکانات دولتی به سمت فعالیت‌هایی شده‌اند که اغلب توجیه و بازده اقتصادی واقعی ندارند. این عدم کارآیی و عدم شفافیت در شرایط عدم وجود رقبای جدی در بخش خصوصی تشدید می‌شود (**Tadbir Eghtesad** **Research Information Department, 2008**).

- بند هشتم: مصادیق و شاخص‌های فساد اقتصادی

- درخصوص مصادیق جرم اقتصادی تقسیم‌بندی مشخصی وجود ندارد اما از آنجا که فساد و بویژه فساد اقتصادی در اسناد بین‌المللی پدیده‌های فراملی تلقی شده در سال ۲۰۰۳ در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا)، مصادیقی از فساد اقتصادی، بیان گردیده است از جمله: ماده (۱۵) کنوانسیون (رشوه)، ماده (۱۷) کنوانسیون (اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقامهای دولتی، ماده (۱۸) کنوانسیون (اعمال نفوذ در معاملات در جهت نفع خود یا دیگری)، ماده (۲۰) کنوانسیون (دارا شدن من غیر حق و کسب ثروت نامشروع توسط مقامهای دولتی)، ماده (۲۲) کنوانسیون (اختلاس در بخش خصوصی)، ماده (۲۱) کنوانسیون (ارتشاء در بخش خصوصی)، ماده (۲۳) کنوانسیون (تطهیر عواید ناشی از جرم یا پولشویی) لازم بذکر است که کنوانسیون مریدا بر چهار رکن، پیشگیری، جرم‌انگاری، همکاری بین‌المللی و بازگرداندن اموال ناشی از جرم استوار است. ایران در سال ۱۳۸۷ به این کنوانسیون ملحق شده است. در حال حاضر در ایران، مصادیق جرائم اقتصادی را در قوانینی چون، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور، قانون

شدید مجازات جاعلین اسکناس، وارد کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، قانون تعزیرات حکومتی، قانون مبارزه با پولشویی و مواد (۱۰۹)، (۴۷)، (۳۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان جستجو کرد.

- حسب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۶۲۲ مورخه ۱۳۹۲/۸/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه با عنایت به ملاک بند (ب) ماده (۱۰۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقصود از جرائم اقتصادی در این قانون، جرم کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون می‌باشد. پس علاوه بر کلاهبرداری، جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) که بشرح ذیل احصاء گردیده از جمله جرائم اقتصادی محسوب می‌شوند.

- رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یادگیری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی. از دیدگاه اندیشمندان در یک دسته‌بندی کلی شاخص‌های فساد اقتصادی عبارتند از:

- فساد بخش‌های عمومی و رسمی برای بهره‌گیری از فشار فساد اقتصادی در جهت‌دهی منافع خود؛
- تمایل عمومی برای کسب آگاهی از مهارت‌های فساد اقتصادی؛
- نوسان و واکنش فعالان اقتصادی در برابر فساد اقتصادی؛
- دامنه فساد اقتصادی در میان مردم و مسئولان؛
- سطح فساد اقتصادی در حوزه زندگی اجتماعی (مانند پرداخت نقدی رشوه) و عکس‌العمل‌های مردمی؛
- عکس‌العمل و واکنش رفتاری مسئولان در برابر فساد اقتصادی.

- مبحث دوم: مبانی نظری جرایم اقتصادی

بزهکاری براساس وسیله مورد استفاده در ارتکاب جرم، به «خشونت‌آمیز» و «تزویرآمیز» تقسیم می‌شود که جرایم اقتصادی در دسته دوم قرار دارند. جرم‌شناسی در زمینه جرایم خشونت‌آمیز، مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در اختیار دارد که با هدف پرداختن به جنبه‌های مختلف خشونت مجرمانه یا دست‌کم خشونت‌های فیزیکی عمدی، طرح‌ریزی شده است. این نظریه‌ها، از تحلیل‌هایی از نوع زیست‌شناسی (عوامل ژنتیکی، هورمونی یا عصبی) شروع و تا علت‌شناسی‌هایی از نوع جامعه‌شناسی، خرده فرهنگ خشونت و تفسیرهای متعدد روان‌شناسی ادامه پیدا می‌کند. اما، در ارتباط با جرایم مبتنی بر تزویر چنین نظریه‌هایی با این گستردگی و تعمق در ادبیات جرم‌شناسی وجود ندارد. نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی موجود را می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر قرار داد:

نظریه‌های تک‌عاملی «شامل نظریه عمومی تزویر، نظریه آنومی، نظریه فرصت، و نظریه شخصیت جنایی؛

«نظریه‌های محیط اقتصادی» شامل نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی و نظریه گایس؛

«نظریه محیط اجتماعی»؛

«نظریه‌های چندعاملی» شامل نظریه فونتان، نظریه کوراکیس و نظریه بائر.

- گفتار اول: نظریه‌های مبتنی بر عوامل فردی و ویژگی مرتکبین جرایم اقتصادی

شخصیت مجرم اقتصادی بر استفاده از زیرکی، زرنگی و هوش استوار است؛ که وی را به سمت بهره‌برداری یا سوءاستفاده به‌موقع از سادگی و زودباوری بزه‌دیدگان سوق می‌دهد. این گروه، در بسیاری از موارد به شکل سازمان‌یافته عمل می‌کنند و در این چارچوب در سایه اطلاعاتی که دارند از همه خلأهای نظام حقوقی و بازار بهره می‌برند. مجرمین اقتصادی از نظر اجتماعی بسیار سازگار و منطبق با جامعه هستند و در کنار رهبران جرایم سازمان‌یافته، خطرناکترین حالت از نظر درجه‌بندی چهارگانه استاندارد و شناخته شدن «حالت خطرناک» در جرم‌شناسی (یعنی وخیم‌ترین حالت) هستند. روشهای رعایت هنجارهای اجتماعی و رفتار ظاهری مرتکبان جرم اقتصادی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در کشورهایی نظیر ایران، برخی از این مجرمین دم از درستکاری و قانون می‌زنند، از علل پیشرفت غرب و روراستی آن‌ها دفاع می‌کنند اینان جایگاه ممتازی میان مردم می‌یابند و به مرور به الگوهای کارآفرینی و مدیریتی تبدیل می‌شوند؛ به طوری که نه مردم در عمق رفتار و پندارشان تفکر می‌کنند و نه ضابطان بر عملکرد آن‌ها شک می‌کنند. مجرمین اقتصادی در ایران نه تنها از قانون آگاهی دارند، بلکه از چگونگی روابط بین افراد عالی‌رتبه نیز مطلع هستند و دقیقاً از همین راه سعی می‌کنند ظاهری صلاح‌گونه داشته باشند. حتی برخی از آنان قانون را به هیچ می‌انگارند. بر نهادهایی تکیه می‌کنند که گاهی از قانون مستثنی شده‌اند. یکی از ویژگی‌های مرتکبین جرایم اقتصادی که کمتر به آن توجه شده، باور و اعتقاد نداشتن به قانون است (البته برای تمکین از آن، نه برای بهره‌مندی از آن).

- بند اول: ساترلند و مجرمین یقه سفید

مجرم اقتصادی تحت عنوان یقه سفید اولین بار توسط ساترلند جامعه‌شناس آمریکایی استعمال گردید. این مجرمین از نظر شخصیتی دارای ضریب هوشی بالایی هستند و عمدتاً شیوه ارتکاب جرم آنان عاری از هرگونه خشونت و توسل به زور است. از دیگر خصایص آنان دارا بودن حالت خطرناک بدین مفهوم که؛ از یک‌سو ظرفیت مجرمانه آن‌ها (به علت ضریب هوشی بالا و منتفذ بودن) بالاست و از سوی دیگر قابلیت انطباق اجتماعی (به علت عدم رویت‌پذیری و فاقد سرزنش بودن این جرایم) در این افراد بالا است. نظریه فشار مرتن در خصوص این گروه از مجرمین، چنین است؛ ما در جامعه با یکسری اهداف مواجه هستیم که دستیابی به آن‌ها به عنوان یک موفقیت، تشویق می‌شود و از سوی دیگر با وسایل و فرصت‌های قانونی مواجه هستیم که باید جهت نیل به آن اهداف در اختیار افراد جامعه قرار گیرد. مجرم اقتصادی در هنگام روبرو شدن با شکاف بین این اهداف و فرصت‌ها، با توجه به خصیصه نوآور بودن، به شیوه‌های غیرقانونی متوسل می‌شود.

می‌توان به اتفاقات دهه ۹۰ میلادی کشور آلبانی اشاره کرد. کشور آلبانی بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ با رشد قارچ‌گونه شبکه‌های هرمی مواجه شد. به طوری که پس از فروپاشی این شبکه‌ها در سال ۱۹۹۸، حجم بدهی‌های آن‌ها تقریباً برابر با نصف تولید ناخالص داخلی این کشور بود و نزدیک به دو سوم مردم این کشور در این گونه شبکه‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند. زمانی که این شبکه‌ها دچار فروپاشی شدند، شورشهایی در نقاط مختلف کشور به وجود آمد؛ دولت سقوط کرد و کشور در یک هرج و مرج سیاسی و تقریباً یک جنگ داخلی که بیش از ۲۰۰۰ نفر در آن کشته شدند قرار گرفت (Saniei Monfared, 2001). به آمارهایی که ارائه شد، اگر جرم‌انگاری به موقع و برخورد قاطع دستگاه‌های قضایی، اطلاعاتی و امنیتی به خصوص وزارت اطلاعات نبود، بعید نبود اتفاقات کشور آلبانی تکرار می‌شود. در خصوص جرم انگاری فعالیت در شبکه‌های هرمی در ایران لازم است گفته شود که در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ قانون ممنوعیت فعالیت شرکت‌ها و موسسات با ساختار هرمی با شبکه‌ی آنها به این صورت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید: «تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا، به نحوی که اعضای جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب

کرده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد.» این مصوبه در قالب بند (ز) به ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ الحاق شد. همان طور که ملاحظه می شود هر نوع شبکه ای تحت عنوان گروه، بنگاه، مؤسسه، شرکت یا... که به فعالیت فوق پردازد مشمول این مقرر قرار خواهد گرفت.

با توجه به ویژگی مشترک جرایم اقتصادی که همگی به دنبال کسب ثروت های فراوان در یک مدت کوتاه و با زحمت کم هستند و با اذعان به این که در بین محققان حقوق کیفری اقتصادی، اختلاف نظرهای فاحشی در خصوص تعریف جرم اقتصادی وجود دارد و با پذیرش این که مصادیق بیان شده از جرایم اقتصادی مصادیقی جامع و مانع نیستند.

- الف: اعتماد به نفس و خطرپذیری بالا

در جزوهای آموزشی شرکت کوئست اینترنشنال به افراد یاد داده می شود که در هنگام معرفی کار سعی کنند تا فرد مقابل را به بیشترین میزان خودباوری برسانند. آموزشهای شبکه های هرمی به طور کلی به گونه ای است که اگر شخص اعتماد به نفس هم نداشته باشد، در طی دوره های آموزشی آن را کسب می کند (جزوه آموزشی شرکت کوئست اینترنشنال، ۱۳۸۵: ۳ و ۱۴). در شبکه های هرمی افرادی که اعتماد به نفس داشته و با تصمیم قاطعانه خود وار شبکه شده باشند و نه به اعتماد دیگران و اعتبار آنها، شانس موفقیت بیشتری دارند.

- ب: میل شدید به ترقی

پیش تر گفته شد که در سالهای اخیر ارزشها و اهداف مادی در صدر قرار گرفته اند. در این دوران محدوده نیازهای افراد بسیار سریع تر از محدوده توانایی هایشان گسترش یافته است و از سوی دیگر امکانات رفع این نیازها با چنین سرعتی افزایش نیافته اند. زمانی که تا این حد نیازهای مادی در افراد جامعه ایجاد شده و اهداف مادی اهمیت می یابند، در اصطلاح علوم اجتماعی، گروه مرجع برای افراد جامعه طبقات بسیار ثروتمند جامعه می شوند. در چنین شرایطی افراد جامعه هر لحظه خود را با این گروه مرجع مقایسه می کنند و چون امکانات لازم برای رسیدن به گروه مرجع را برای خود فراهم نمی بینند، دچار احساس سرخوردگی می شوند و هر لحظه میل شان برای رسیدن به گروه مرجع تشدید شده و به لحاظ درونی و شخصیتی یک نوع میل شدید به پیشرفت و ترقی مادی در درونشان ایجاد می شود.

- ج: منفعت طلبی شخصی

در جامعه امروز منفعت طلبی شخصی و توجه به منافع فردی گسترش قابل توجهی یافته است. در این شرایط ملاحظات اجتماعی کم رنگ می شود و در یک وضعیت رقابتی، هر کسی سعی می کند فقط به فکر خودش باشد و در این میان رعایت کردن حال دیگران چندان مورد توجه قرار نمی گیرد (Renani, 2003).

کسی که وارد یک شبکه هرمی می شود، فردگرایی و خودمحوری اش باید آنچنان بالا باشد که به خاطر منافع شخصی از همه هنجارهای اخلاقی و اجتماعی بگذرد. آموزشهای شبکه های هرمی هم با همه تأکید ظاهری که در این آموزشها بر خیرخواهی دیگران، کمک به دوستان و نزدیکان و... می شود، کاملاً بر محور فردگرایی طر حریزی شده است. مطالعه دقیق و کامل متون آموزشی این شبکه ها آشکار می کند که شعارهای زیبای آنها صرفاً پوششی است بر کلاهبرداری از افراد و اغفال آنها برای ورود به شبکه و به شیوهای کاملاً هدفمند و ساخت یافته تنظیم شده است. بسیار اتفاق می افتد که شخص پزنت کننده خود در کار شکست خورده و هر لحظه بدبینی اش نسبت به موفقیت کار بیشتر می شود، با این حال، در مواجهه با یک عضو احتمالی جدید، با امیدواری تمام و همانند یک فرد بسیار موفق کار را معرفی می کند. هدف در اینجا چیزی نیست جز رسیدن به نفع شخصی به قیمت ضرر دیگران. از میان ۳۰۰ نفر مصاحبه شونده، ۲۶۰ نفر یا بدون دریافت هیچ سودی کار را ترک

کرده یا سود دریافتی‌شان کمتر از سرمایه اولیه‌شان بوده که وارد شرکت کرده اند و به عبارت دیگر ۲۶۰ نفر متضرر شده و تنها ۴۰ نفر به سود رسیده بودند. در میان این ۲۶۰ نفر، ۲۰۰ نفر بالاسری‌های خود را مقصر می‌دانستند و اظهار می‌داشتند بالاسری‌هایشان تنها به دنبال منفعت شخصی خود بوده اند. بالاسری‌ها ابتدا عضو جدید را با وعده همکاری و کمک در جذب اعضای جدید جذب می‌کرد.

- بند دوم: نظریه روان شناختی (ژان پیناتل)

بزهکار اقتصادی از عقده حقارت رنج می‌برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت بشمار می‌رود. او عقده خود را با خرید کالاهای اشرافی نشان می‌دهد مثلاً استفاده از خودروهای آخرین سیستم. ولی، در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساس برانگیز است مخفی می‌نماید. مثلاً به منظور عدم پرداخت مالیات اموال آن‌ها را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می‌کند. ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می‌کند قضاوت و تحلیل می‌کند. مثلاً کارمندی که اراده ارتکاب جرم دارد ولی کنترل‌های قانونی و اداری مانع این امر می‌شود.

- گفتار دوم: نظریه‌های ناظر بر محیط اجتماعی در وقوع جرایم اقتصادی

- بند اول: نظریه پنجره شکسته

نظریه پنجره شکسته در زمینه رفتار جمعی است؛ رفتارهایی که کمک می‌کند انسانها در آرامش و امنیت کنار هم در یک محیط سالم زندگی کنند. تئوری پنجره شکسته برای اولین بار توسط شخصی به نام فیلیپ زینباردو (۱۹۶۹) مطرح شد: وی در آزمایشی یک خودروی بدون پلاک را با کاپوت باز در یک خیابان پرت نیویورک رها کرد و خودروی دیگر را درست با همان وضعیت دریکی از محلات ثروتمند کالیفرنیا قرار داد. خودرویی که در خیابان پرت قرار داشت، ظرف زمان کمتر از ۱۰ دقیقه مورد حمله قرار گرفت، وضعیت رهاشده و پرت آن خیابان موجب غارت سریع خودرو شد؛ اما خودرویی که در محله ثروتمند رهاشده بود، بیش از یک هفته دست‌نخورده باقی ماند. در قدم بعدی زینباردو یکی از شیشه‌های خودرو را شکست. تقریباً در زمان کوتاهی و طی چند ساعت، عابران شروع به برداشتن وسایل داخل خودرو کردند به‌طوری‌که این بار تمام قطعات وسایل خودرو به سرقت رفت. آنچه جالب بود، در هر دو مورد درصد بالایی از غارتگران افراد خطرناکی نبودند. اگر شیشه یکی از پنجره‌های ساختمان شکسته و به حال خود رها شده باشد، پس از مدتی عابرانی که از مقابل آن ساختمان می‌گذرند به این نتیجه می‌رسند که برای کسی مهم نیست که این پنجره شکسته است و کسی به شکسته شدن پنجره‌های این ساختمان اهمیت نمی‌دهد. به‌مرور عابران بر تعداد شیشه‌های شکسته ساختمان می‌افزایند و بعد از شکسته شدن تمام شیشه‌ها، نوبت به خود ساختمان می‌رسد. بعد از ساختمان هم نوبت به خیابانی که ساختمان در آن قرار گرفته می‌رسد و سیگنال‌هایی به همراه دارد و آن این است: هر کاری که بخواهید مجازید انجام دهید بدون اینکه کسی مزاحم شما بشود.

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است و مایحتاج او از مردم جامعه، مشارکت عمومی، تبادل اندیشه و افکار و رفتارهای سیاسی اجتماعی در جامعه تأمین می‌شود و این احتیاجات خواه اقتصادی باشد خواه سیاسی یا فرهنگی و علمی یا غیر از این‌ها باشد، بر سرنوشت و شکل گرفتن شخصیت فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد و بر این اساس است که حکومت اسلامی باید برای کنترل و نظارت بر تمام اعمال و افعال در جامعه با یک نظام مدیریتی قوی و نظارتی و مبتنی بر قانون بر عملکرد دستگاه‌های اداری نظارت و کنترل کامل داشته باشد تا در سایه اجرای عدالت و حسن نظارت و عمل به قانون، کنترل و امنیت و سلامت جامعه را در تمام ساختارهای اجتماعی تأمین کند.

فساد و تقلب پدیده‌ای است که کلیه کشورهای جهان کم‌وبیش با آن دست به گریبانند؛ اما میزان و گستردگی آن با توجه به عوامل اداری و مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی اقتصادی متفاوت است. پیامدهای مخرب فساد و تضاد آن با منافع عامه و اکثریت، از جمله اتلاف منابع، کاهش رشد اقتصادی کشورها و کاهش اثربخشی باعث توجه روزافزون به اهمیت پدیده تقلب و فساد در جوامع مختلف شده است.

در تئوری پنجره شکسته در مفاسد اداری، وقتی مشکلی در ادارهای وجود دارد، مثلاً به‌جای اینکه عارضه‌یابی کنیم می‌توانیم چند پنجره کوچک که شکسته باشد را تعمیر کنیم و اگر می‌بینیم پنجره‌های در معرض شکستن می‌باشد می‌توانیم قبل از اینکه این فرهنگ فراگیر شود نگذاریم این پنجره بشکند و نظارت‌های قانونی باید به‌طور مناسب و کافی همواره وجود داشته باشد. منظور از این تئوری همان است که نباید بگذاریم قبح بعضی از چیزها در ادارات از بین برود اگر این سد شکسته شد، سدهای بعدی راحت‌تر خواهد شکست.

ارتشاء زد و بند، اتلاف وقت، محیط پرتشنج، عدم رعایت آئین‌نامه‌ها، بی‌توجهی به کارکنان و تأخیر در پرداخت‌ها و جلسات بی‌بازده از این دسته پنجره‌های شکسته هستند. قلب این نظریه اینجاست که تغییرات لازم نیست بنیادی و اساسی باشد بلکه تغییرات کوچک چون نظارت‌های عوامل نظارتی همچون بازرسی و... تحویلی سریع و ناگهانی در جامعه اداری به وجود می‌آورد و به ناگاه مفاسد اداری را به‌طور باورنکردنی کاهش می‌دهد.

- بند دوم: نظریه‌های مربوط به محیط اقتصادی

نقش نظام اقتصادی و سیاسی بر جرایم اقتصادی. ۱- تأثیر شرایط اقتصادی بر بزهکاری اقتصادی: در کشورهای سرمایه داری مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می‌شود. در این کشورها با مجرمین یقه سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام‌هایی سبب می‌شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه سفیدی موضوعیت ندارد. و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه‌ای بالا است. بر خلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه‌ای کاهش می‌یابد. و جرایمی که ریشه آن‌ها غالباً اقتصادی است. چون سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری و... رو به افزایش است.

۲- تأثیر شرایط سیاسی بر بزهکاری اقتصادی: نوسانات بزهکاری تا اندازه زیادی تحت تأثیر اقدامات قوه مقننه است. زیرا، با یک جهت‌گیری اقتصادی توسط آن ارزش‌های جدیدی به وجود می‌آورد. که نقض آن‌ها جرم انگاری می‌شود. و بر تعداد مجرمین می‌افزاید. برعکس چنانچه یک سلسله جرایم را نادیده بگیرد نرخ بزهکاری پایین می‌آید. هر چه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر و متنوع‌تر باشد زمینه‌های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر است. (نظریه‌های گایس و نظم اجتماعی و فردی مری دلماس مارتی) دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه این نظریه: ۱- استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکتها و صاحبان سرمایه. در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تامین می‌شود. ۲- به خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرایم آن‌ها با اغماض برخورد می‌شود. ۳- محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آن‌ها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد. ۴- رسیدگی به این جرایم به اهل فن واگذار که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرایم می‌شود. و...

- بند سوم: نظریه فشار مرتن

بزهکاران اقتصادی وسایل قانونی را، به منظور دست‌یابی به بالاترین نماد موفقیت دور می‌زنند. در واقع بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دست‌یابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می‌خواهد در مسابقات وزنه برداری

مقام نخست را کسب کند ولی به دلیل عدم تمرین به دوپینگ متوسل می‌شود. خلاقیت بزهکار اقتصادی به واسطه شکاف بین هدف‌های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می‌گردد. که فرد را در یک حالت خلاء هنجاری و عدم احساس پابندی قرار می‌دهد. هر چقدر این شکاف بیشتر باشد بی‌اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می‌شود. مرتن بزهکاری را ناشی از وضعیتی می‌داند که جامعه به وجود آورده است وی معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر نماید و امکان دستیابی را برای همه فراهم نماید. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد غیردولتی است. زیرا، در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می‌شود.

- گفتار سوم: نظریه‌های چند عاملی

این نظریه جرم را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌داند.

- الف - نظریه فونتان

وی انگیزه را دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمین اقتصادی معرفی می‌کند و در انگیزه سه عامل را موثر می‌داند: ۱- عوامل روانی و فردی مثل عدم پختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق و... ۲- عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت اندوزی کند. ۳- عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آن‌ها را متوقف می‌کند در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زند.

- ب - نظریه کوراکیس

وی جرایم اقتصادی را ناشی از سه عامل تاریخی، محیطی و فردی می‌داند. او عامل تاریخی را در سه فرایند افزایش جمعیت، توسعه شهرها و توسعه صنعت و فن آوری که مسوولیت اشخاص حقوقی را نشانه می‌رود بیان می‌دارد. برای عامل محیطی دو رکن جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب می‌کند و فن آوری نوین که به ابزاری برای جرایم اقتصادی تبدیل شده است بیان می‌دارد. در واقع این دو عامل ارزش‌های جدیدی ایجاد کرده اند.

عامل سوم شخصیت بزهکار یعنی زرنگی و هوش مرتکبین این جرایم است که او را به سمت سوء استفاده به موقع از سادگی بزه دیدگان سوق می‌دهد.

- ج - نظریه بانر

این نظریه بر واکنش اجتماعی نسبت به جرایم تکیه دارد و ضمانت اجرای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. که این عوامل عبارتند از: ۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن ضمانت اجرای این جرایم. ۲- ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست، آنها در تدوین لوایح اثرگذارند و با خدماتی که به محافل قدرت می‌کنند. توقعاتی از این مسوولین دارند. ۳- موقعیت اجتماعی بزهکاران که موقعیت اعتماد ساز است. و می‌تواند جرم زا باشد. ۴- فن آوری که باعث سهولت ارتکاب این جرایم توسط افراد صاحب فن شده است. ۵- جهانی شدن که از دو بعد قابل بررسی است. اول آنکه جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چند ملیتی متبلور شده است. و با ورود این شرکت‌ها به کشورهای ارزش‌های اقتصادی را به دنبال دارد. دوم جهانی شدن معنوی که از طریق اسناد بین المللی صورت می‌پذیرد. جهانی شدن اقتصاد زمینه سوء استفاده‌های بین المللی فراهم می‌شود.

- ب: سوت زنی

اصطلاح سوت زنی از رفتار مأموران پلیس گرفته شده است، یعنی زمانی که پلیس تخلفی همچون نزاع خیابانی، دزدی و... می‌بیند، در سوت خود می‌دمد تا همه مردم و سایر افسران پلیس برای آگاهی از محل وقوع جرم خبردار شوند. طبق تعاریف، سوت زن در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که در درون یک سازمان کار می‌کند و خلافکاری‌های آن را افشا می‌کند، این تخلفات می‌تواند شامل انواع رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی مدیران و کارکنان یک سازمان از قبیل-تقلب، رانت، رشوه، احتکار، تولید محصول غیر ایمن و نقض قوانین یا مقررات باشد. قوی‌ترین راهکاری که کشورهای پیش‌قدم در مبارزه با فساد به آن رسیده‌اند، قانون گزارش دهی یا سوت زنی است، ۴۰ درصد از مفاسد دنیا به تنهایی از طریق سوت‌زنی کشف می‌شوند. سوت زدن، نوعی فراخوان عمومی است برای مطلع کردن افراد از محل وقوع جرم و هدف آن، جلوگیری از آسیب رساندن بیش از پیش به افراد جامعه، سازمان‌ها و نهادهای عمومی است. سوت زنی یا افشاگری، در آمریکا از سال ۱۸۶۳ با تدوین قانونی به نام قانون حفاظت از رسواکننده اجرا می‌شود، بر اساس این قانون سوت زن یا افشاگر هم در پناه قانون است، و هم دولت آمریکا موظف می‌باشد درصدی از جریمه که از فرد فاسد می‌گیرد، به افشاگر بپردازد (Renani, 2003).

- ج: تحلیل ریسک

این نظریه، مرحله اساسی در طراحی یک سیاست ضد فساد مؤثر می‌باشد و در آن در مورد جنبه‌های مختلف کسب‌وکار شرکت از جمله کشور و نوع کسب‌وکار صحبت می‌شود. اجرا: در صورتی که این مرحله به‌درستی اجرا شود، اطمینان حاصل می‌شود که فرایندهای داخلی با سیاست‌های ضد فساد در تضاد نیستند. - مجوز قانونی: هر فرد در سازمان باید بداند که برنامه ضد فساد دارای مجوز قانونی است و اگر کسی آن را نقض کند، ممکن است شغل خود را از دست داده و یا ارتقا و پاداش را از دست بدهد. خطوط امداد: شرکت‌ها می‌بایست خطوطی برای امداد داشته باشند تا افراد بتوانند به‌صورت آشکار یا بدون نام پاسخ‌سؤالات خود را بگیرند. - نظارت: تبدیل برنامه ضد فساد به برنامه‌ای سالم و بی‌خطر و شناخت نقاط قوت و ضعف به‌صورت مستمر برای اثربخش‌تر کردن (Torabi, 2004; Validi, 2014).

- گفتار چهارم: نظریه‌های مبتنی بر علل محیط داخلی عاملی برای جرایم اقتصادی

- بند اول: ضعف سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری قوه مقننه

مهم‌ترین کارکرد قوه مقننه، تدوین سیاست‌ها در سطح کلان و روشن کردن مسیر حرکت کشور به سوی اهداف برنامه‌ریزی‌شده است؛ از این رو سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی نظیر صندوق‌های بازنشستگی، خصوصی‌سازی، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی، فیلترینگ و کنترل رسانه‌های جدید، پذیرش ضوابط پولی بین‌المللی، بحران بانک‌ها، یارانه‌ها و ده‌ها مسئله کلیدی دیگر مصادیق متعدد از بحران سیاست‌گذاری در ایران هستند. نظام اداره کشور در سال‌های اخیر از یک طرف سیاست‌هایی اتخاذ کرده است که زمینه‌ساز فساد بوده و از سوی دیگر در اتخاذ سیاست‌های ضد فساد هم قوی عمل نکرده است. برای مثال اعطای انواع یارانه‌های غیرمستقیم، نظام سهمیه‌بندی در حوزه‌های مختلف، فرایندهای متعدد و پیچیده مجوزدهی دولتی، خصوصی‌سازی صوری، انحصار و کنترل‌های قیمتی از دیگر مصادیق اقداماتی هستند که مساعدکننده شرایط برای بروز فسادند.

در حوزه قانون‌گذاری، در حقوق کیفری که سامان‌دهنده پاسخ‌های کیفری است، تعریف دقیق و به تعبیری جامع و مانع جرایم، از اهمیتی دو چندان برخوردار است و شفاف بودن تعاریف اهمیت بیشتری دارد. قوانین کیفری باید به نحوی تنظیم شود تا با عینی کردن مفاهیمی چون

«اخلال» و وضع معیاری عینی موجب شود هم قضات در تشخیص اختلال و درجات آن دچار مشکل نشوند و هم متهمان قبل از ارتکاب جرم بدانند در صورتی که معیار قانونی را نقض کنند با مجازاتی چون مجازات جرم افساد فی الارض روبه‌رو خواهند شد و در نتیجه قانونمعد سلیقه‌گرایی نباشد.

در این صورت زرادخانه کیفری اثر بازدارنده خود را خواهد داشت و فرصت‌های ارتکاب جرم نیز به حداقل خواهند رسید. در حوزه جرایم اقتصادی، با مراجعه به قوانین ماهوی، به نظر می‌رسد قانون‌گذار علاوه بر عدم تعریفی دقیق از جرایم اقتصادی، در تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری این جرایم شامل (اعدام، حبس بلندمدت، انفصال از خدمات دولتی، جزای نقدی و شلاق) سیاست واحدی ندارد و تشتت در این حوزه باعث شده است تا علاوه بر مشکلاتی که در حوزه جرم انگاری وجود دارد، اهداف مورد انتظار از پاسخ‌های کیفری ناظر به جرایم اقتصادی نیز تأمین نشود. با ملاحظه ضمانت‌اجراهای مذکور، مشخص می‌شود که قانون‌گذار در جرایمی که شباهت‌های زیادی با هم دارند، مجازات‌های متفاوتی وضع کرده است. از این رو، ضروری است با بازشناسی مصادیق جرایم اقتصادی، پاسخ‌های کیفری متناسب با آن‌ها و هماهنگ با سایر جرایم اقتصادی را پیش‌بینی کند.

برای نمونه، تفاوت میزان مجازات حبس بلندمدت در قوانین مختلف مربوط به جرایم اقتصادی از جمله قانون مجازات اخلالگران (حبس از ۵ سال تا ۲۰ سال) و ماده ۴ قانون تشدید (حبس از ۱۵ سال تا ابد) مشاهده می‌شود. در برخی از جرایم مانند اختلاس نیز مجازات حبس از ۲ تا ۱۰ سال، در مورد ارتشا در مواردی حبس از ۵ تا ۱۰ سال، برای کلاهبرداری حبس از یک تا ۷ سال و در کلاهبرداری مشدد، حبس از ۲ تا ۱۰ سال پیش‌بینی شده است.

جزای نقدی ضمانت‌اجرایی است که به نظر می‌رسد با هدف بازدارندگی و شخصیت مرتکبان این جرایم تناسب بیشتری دارد و در غالب این جرایم پیش‌بینی شده است؛ هرچند در برخی جرایم مانند جرم مداخله کارکنان دولتی در معاملات دولتی تنها مجازات حبس از ۲ تا ۴ سال مقرر شده است. در مواردی که این ضمانت اجرا پیش‌بینی شده، عدم تناسب مشهود است. گاه «جزای نقدی معین» مانند ماده ۱ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (جزای نقدی از دو هزار ریال تا پانزده هزار ریال) است که طبیعتاً با گذشت زمانی حدود ۸۰ سال از تصویب این قانون، عملاً این مجازات هدف خود را از دست داده است. یا جرم موضوع ذیل ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که مجازات نقدی از ۳ تا ۳۰ میلیون ریال را دارد. گاه از «جزای نقدی نسبی» استفاده شده که مبلغ آن نسبتی با عواید ناشی از جرم است. در اینجا نیز مبانی متفاوتی وضع کرده است: این مبالغ یا معادل اموال ناشی از جرم است (مانند کلاهبرداری، ارتشا و اخذ پورسانت و پولشویی)^۱ و گاه این مبلغ دو برابر ارزش مال کسب شده است (مانند جرم اختلاس و بخش نخست ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات). گاه این نسبت به ۷ تا ۱۰ برابر ارزش موضوع جرم نیز می‌رسد (مانند بند «ت» ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص کالای ممنوعه یا وارد کردن مشروبات الکلی موضوع ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که ملاک ۱۰ برابر را مقرر کرده است). در کنار مشکلات ماهوی قوانین جرایم اقتصادی، می‌توان به فرایند طولانی قانون‌گذاری مربوط به قوانینی که به طور غیرمستقیم می‌توانند موجب شفافیت و پیشگیری از جرایم اقتصادی شوند، اشاره کرد.^۲

- بند دوم: ضعف سیاست‌های اجرایی و اقدامات متزلزل قوه مجریه

علاوه بر سیاست‌گذاری کلان توسط قوه مقننه، دولت نیز می‌تواند در همه زمینه‌های اجرایی و در حیطه اختیارات خود، سیاست‌هایی اتخاذ و اجرا کند. اما آنچه در مرور کارنامه دولت‌های مختلف در کشور به چشم می‌خورد، ناتوانی و عدم موفقیت در این زمینه و رفتارهایی برای اخذ

رأی در انتخابات بوده است. در حقیقت با ضعف در سیاست‌گذاری مناسب و حتی اتخاذ سیاست‌های اشتباه، اقتصاد کشور به خصوص در سال‌های اخیر عملکرد مناسبی نداشته است و سیاست‌های اتخاذ شده در بخش‌های مختلف به خصوص سیاست‌های ارزی، پولی بودجه‌ای فرصت‌هایی برای گسترش جرایم اقتصادی ایجاد کردند به گونه‌ای که تیترا هر روز روزنامه‌ها و رسانه‌های کشور عمدتاً به دستگیری متهمین یا افشای این جرایم اقتصادی اختصاص یافته است.

سیاست‌های اشتباه ارزی موجب شد تا قاچاق روندی افزایشی به خود بگیرد و حتی با تغییر مسیر، سیری معکوس پیدا کند. در وضعیت فعلی قاچاق به حدی گسترش پیدا کرده که به امری بدیهی تبدیل شده و غیر از بخش حامل‌های انرژی که به خارج از کشور قاچاق می‌شود، بسیاری از کالاها از آرد و مواد دارویی تا دام و زعفران هم قاچاق می‌شوند. عامل گسترش پدیده قاچاق، به مابه‌التفاوت یا شکاف زیادی برمی‌گردد که در بهای کالاهای اساسی در بازار آزاد، با بهای تمام شده آن‌ها پس از دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد شده و سودی بادآورده و رانتی را نصیب واردکنندگان کرده است. این شرایط مانند آب گل‌آلودی است که مجرمان اقتصادی باهوش و آگاه از وضعیت موجود، می‌توانند از آن ماهی بگیرند و با اشراف از ناکارآمدی موجود و چالش‌های کشور، حتی زمانی که جرم‌شان کشف و اتهام‌شان در دادگاه به اثبات می‌رسد، نه تنها احساس شرمندگی گناه نمی‌کنند، بلکه هنوز خود را فردی خادم و مؤثر می‌دانند.

- بند ج: برخورد ضعیف قوه قضاییه در سال‌های گذشته

در حوزه قضایی، افزون بر اطلاع دادرسی که معضل اصلی نظام دادرسی ایران در برخورد با همه جرایم، به ویژه جرایم اقتصادی بوده است، مشکلاتی همچون اثبات جرم اقتصادی به دلیل عدم پذیرش اماره مجرمیت، یعنی معضل اثبات رکن معنوی (در حالی که برخی نظام‌های کیفری این جرایم را در زمره جرایم مادی صرف دسته‌بندی کرده اند؛ بنابراین مقام تعقیب از اثبات رکن معنوی بی‌نیاز است و متهم خود باید عدم سوءنیت خود را ثابت کند) بر مشکلات برخورد متناسب با این جرایم افزوده است. مشکل دیگر در برخورد و رسیدگی به اتهام بزهکاران جرایم اقتصادی، چالش‌های تعقیب مجرمان پرنفوذ از مرحله اعلام شکایت، با واکنش جدی برخی مسئولان که خود را وام‌دار این گونه متهمان می‌دانند با توصیه‌ها، ارباب قاضی ۱ یا مأموران تعقیب یا تهدید شاکی شروع می‌شود. در مراحل تعقیب و احضار، بازداشت، تحصیل ادله و محاکمه، این چالش‌ها و دشواری‌ها ادامه دارد. علاوه بر آن‌ها موارد زیر به عنوان سایر چالش‌ها مطرح هستند:

۱. تعدد مراجع قضایی صالح به رسیدگی به این گونه اتهامات و در نتیجه ایجاد اختلاف در صلاحیت؛

۲. همکاری نکردن برخی ضابطان دادگستری در امر تحقیقات و نیز دخالت ضابطان متعدد؛

۳. ایجاد برخی موانع در روند رسیدگی به اتهام مسئولان در مراجع قضایی؛

۴. پیامدهای ناشی از صدور قرار بازداشت موقت برای این گونه متهمان؛

۵. پیامدهای ناشی از بروز برخی نگرانی‌ها میان نیروهای متخصص؛

۶. ایفای نقش مؤثر مدیران و مسئولان قضایی در تعقیب متهمان؛

۷. اخلال در امور اجرایی در صورت احضار یا بازداشت متهمان؛

۸. مصونیت نمایندگان و برخی مسئولان از تعقیب قضایی؛

۹. عدم رعایت تساوی افراد در برابر قانون؛

۱۰. عدم پرورش قاضی متخصص.

- بند د: نقش سایر فعالان حکمرانی

در سطح ملی، علاوه بر قوای سه‌گانه، فعالان سیاسی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی با عنوان «سایر فعالان حکمرانی» نیز داخل در مقام هستند و ممکن است هر یک به عنوان عامل مهم در فرایند تصمیم‌گیری محسوب شوند. بنابراین همه واجدین نقش و فعالان عرصه حکمرانی غیر از دولت (در معنای عام)، گروه‌هایی هستند که به عنوان بخشی از جامعه مدنی محسوب می‌شوند. در برخی کشورها علاوه بر جامعه مدنی، تشکیلات جرایم سازمان‌یافته و مافیایی شهری و ملی در تصمیم‌های اتخاذی مسئولان مؤثرند و ساختارهای رسمی دولتی را یکی از راه‌های مد نظر برای اعمال برنامه‌ها و تحقق هدف‌های خود می‌دانند که این امر می‌تواند یکی از شاخصه‌های منجر به فساد در زمامداری باشد (Tavsali Zadeh, 2013; Torabi, 2004).

در ایران نیز با قدری تعمق ملاحظه می‌شود در مورد چالش‌های بزرگ اقتصاد کشور از قبیل اصلاح نظام بانکی، اصلاح سیاست‌های ارزی، افزایش کارایی بودجه، اصلاح سیاست‌های تجاری و نظایر آن، به ظاهر اتفاق نظر در ضرورت اصلاح چالش‌ها وجود دارد، ولی در عمل برنامه‌های اصلاحی با موانع مواجه می‌شوند. یکی از موانع حل چالش‌های اقتصادی آن است که اصلاحات اقتصادی و حل چالش‌های بزرگ اقتصاد ایران که ریشه بسیاری از جرایم اقتصادی است، گرچه در بلندمدت منافع اکثریت جامعه را تأمین خواهد کرد، ولی به نظر می‌رسد شرایط موجود به علل مختلف ذی‌نفعانی نیز دارد که این مسئله موجب پایداری چالش‌ها شده است.

ساختارها و سیاست‌های اقتصادی موجود، به رغم تحمیل خسارت‌های بسیار به اقتصاد کشور، فراهم‌کننده منافع گسترده‌ای برای برخی گروه‌های ذی‌نفع است. این مسئله، اصلاح سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی و حل ریشه‌های شکل‌گیری چالش‌ها را با مانع جدی مواجه می‌کند. در این شرایط گروه‌های ذی‌نفع می‌توانند به شیوه‌های مختلف مانع پیشبرد این اصلاحات شوند و حتی احتمال دارد مسیر برنامه‌ها را نیز به طور کلی منحرف کنند.

طی چندین دهه گذشته، کسانی که در ادوار مختلف از جهش نرخ ارز بهره برده‌اند، کسانی که از سود ناشی از نگهداری دارایی‌ها بیش از ارزش افزوده ناشی از تولید منتفع شده‌اند، کسانی که امکان دسترسی به تسهیلات کلان بانکی بدون نگرانی از بازپرداخت آن را داشته‌اند، کسانی که از عدم شفافیت در قراردادهای دولتی بهره‌مند شده‌اند و حتی توده مردمی که با سپرده‌گذاری در مؤسسات غیرمجاز و بانک‌های مشکل‌دار بیش از درآمد حاصل از تلاش خود عایدی داشته‌اند، تمایلی به اصلاحات اقتصادی ندارند و به صورت غیرمستقیم، دانسته یا نادانسته از فرصت‌هایی که برای ارتکاب جرایم اقتصادی وجود دارد، دفاع می‌کنند.

- بند ه: عوامل فرهنگی و ساختار اقتصادی نامطمئن

مشکلات ساختار اقتصادی موجب نااطمینانی در اقتصاد ایران شده و فضای مبهم ناشی از این نااطمینانی، فعالیت‌های اقتصادی در کشور را مختل کرده است؛ به طوری که از نظر برخی اقتصاددانان، چشم‌اندازی را نمی‌توان برای آینده اقتصاد ایران متصور بود و این شرایط موجب تشدید فرصت‌طلبی و سودجویی می‌شود. به نظر برخی اقتصاددانان ایرانی، ما در حوزه سیاست‌های کلان اقتصادی تفکر منسجمی نداریم یا دست کم در رفتار ما چنین انسجامی مشاهده نمی‌شود. یک جا بازارها را آزاد می‌کنند و در جای دیگر بازارها را می‌بندند؛ گاهی در بازار مداخله می‌کنند و گاهی منتقد شدید مداخله هستند. در واقع، هیچ رفتار اقتصادی منسجمی از سیاست‌گذاران (در بخش‌های مختلف حاکمیت) دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی، فعال اقتصادی نمی‌تواند برای مثال، نسبت به نرخ ارز یا سیاست‌های تجاری در آینده پیش‌بینی‌ای داشته باشد؛ از این رو، یک وضعیت بزرگ نااطمینانی اقتصادی در کشور به علت همین عدم انسجام تفکر اقتصادی، در حال شکل‌گیری است که

رفته رفته بزرگ‌تر نیز می‌شود. نااطمینانی همچون سیلی است که اصلاً نمی‌دانیم قرار است بیاید یا نه و در واقع نمی‌توان مدیریت ریسکی در قبال آن انجام داد. به عبارت دیگر، می‌توان با تنوع‌بخشی سرمایه‌گذاری، در برابر ریسک مقاومت کرد، اما در برابر نااطمینانی نمی‌توان چنین سیاستی را به کار برد؛ برای مثال، اگر بحران بانکی گریبان اقتصاد را بگیرد، همه را با خود خواهد برد. دولت‌های ما فاقد نظریه با ثبات اقتصادی هستند و اندیشه‌های ناصحیح و مضر برای اقتصاد، مرتباً بازتولید می‌شوند. این مسئله، مسئله فلان فرد یا فلان رئیس‌جمهور نیست و تقریباً عمومیت دارد. نهاد دولت، مستقل از اینکه کدام دولت باشد، در اقتصاد ایران فاقد نظریه است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای بخشی از وظایف خویش همواره اقدام به تهیه گزارش‌های مختلف در مورد وضعیت اقتصاد ایران می‌کند. این گزارش‌ها که با هدف بیان مهم‌ترین روندهای اقتصاد کشور، تحلیل سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت و مجلس و ارائه چشم‌اندازی از سال‌های آتی تهیه می‌شوند، ضمن بیان چالش‌های موجود، گویای وضعیت نامناسب و نابسامان اقتصادی کشور در ابعاد سیاست‌گذاری و اجرا هستند. نتیجه آنکه، در چنین شرایطی علاوه بر توسعه رانت اطلاعاتی، کسانی که به منابع قدرت و تصمیم‌گیری نزدیک هستند، می‌توانند با اطلاع از تغییرات و شرایط آینده، اقدامات مهمی در حوزه‌های اقتصادی انجام دهند و سودهای سرشاری را نصیب خود و همکاران کنند و احتمال اینکه برخی از این اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی پرونده‌های متورمی را در دستگاه قضایی ایجاد کند نیز وجود دارد.

نتیجه‌گیری

مفهوم ارائه شده از جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، فاقد کارکرد مؤثر در زمینه مبارزه با این جرایم است و باید به این منظور بسته سیاستی کاملی مشتمل بر مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری تا اقدامات قهرآمیز کیفری تدوین شود که در آن تعریف دقیقی از جرم اقتصادی ارائه شده و علاوه بر احصا و تدوین عناوین مجرمانه اقتصادی، حوزه‌های سکوت و ابهام قانون نیز رفع شود. تا زمان تدوین چنین مجموعه‌ای مطلوب است با ذکر اشکالات مذکور استفساریه‌ای از مجلس اخذ شود که طی آن مجلس شورای اسلامی، بر تمثیلی بودن مصادیق مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی تصریح کند. در این صورت بخش شایان توجهی از اشکالات مذکور رفع خواهد شد. تأثیر خلأهای قانونی بر مبارزه با جرائم اقتصادی: فساد اقتصادی مانند هر مسئله اجتماعی دیگر، از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و برخی پارامترهای حقوقی در پیدایش این معضل اجتماعی دخالت دارند. عوامل حقوقی مؤثر در پیدایش فساد اقتصادی را می‌توان تحت سه عنوان خلأ قانونی، ضعف و ابهام و تشتت در قوانین موجود و در نهایت، تخلف از مقررات و قوانین و اجرا نکردن صحیح آن‌ها طبقه‌بندی کرد. ضعف و کاستی در این زمینه، همواره یکی از علل مهم شکل‌گیری مفاسد اقتصادی بوده است. در حالی که در سایر تحقیقات، تنها به کمبود برخی قوانین به‌طور کلی اشاره شده است و به ضعف، ابهام و تشتت در قوانین که عوامل مهمی در عدم برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی محسوب می‌شوند، اشاره‌ای نشده است. مشکل دیگر در خصوص جرائم اقتصادی بعد از خلأ قانونی، عدم تعریف جرائم اقتصادی است. چندین دهه است که موضوع تعریف جرائم اقتصادی در کشورهای مختلف و خصوصاً در کشورهای توسعه یافته، موضوع بحث و نقد بوده و تئوری‌های مختلفی در این راستا ارائه شده است، لیکن در این خصوص به هیچ تعریف واحدی دست نیافته اند. علت این امر به خاطر آن است که عنوان اقتصاد، لفظی عام است؛ حتی اقتصاددانان تاکنون نتوانسته‌اند تعریفی جامع و مانع از آن ارائه دهند و به همین خاطر، ارائه تعریفی از جرائم اقتصادی یا جرائم علیه اقتصاد دشوار بوده است. عدم تعامل و همکاری سازمان‌های مبارزه کننده با جرائم اقتصادی: تعامل بسیار ضعیف بین نهادهای مؤثر در مبارزه و ضعف در ضمانت اجرای قانونی، از جمله مسائل موجود در حوزه سیاست کیفری است. چه اینکه عدم قاطعیت قوای حاکم در اجرای مجازات و عدم حتمیت اجرای مجازات، جنبه پیشگیرانه مجازات

را از بین برده است و افراد با بررسی منافع و عواید حاصل از ارتکاب تخلف و همچنین، مقایسه آن با خطرات احتمالی ناشی از کشف جرم و اجرای مجازات، این منافع را به مراتب دست یافتنی تر و محتمل تر می‌بینند و نسبت به ارتکاب تخلفات و جرائم اقدام می‌کنند. هم‌اکنون، یک ارتباط سیستمی بین سازمانهای مبارزه کننده با جرائم اقتصادی از جمله مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کل کشور، شورای حفظ حقوق بیت المال، وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، سازمان حسابرسی کل کشور، پلیس آگاهی و پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا وجود ندارد؛ بدین نحو که اگر متهمی به خاطر یک جرم اقتصادی توسط یکی از سازمانهای فوق‌الذکر تحت تعقیب قرار بگیرد، هیچ اطلاعی از متهم موصوف به سایر سازمانها ارسال نمی‌شود. در حالی که ممکن است توسط آن سازمانها نیز تحت تعقیب باشد یا اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار سایر سازمانها باشد که بتواند در کشف جرم به سازمان موصوف کمک کند که به این امر در تحقیقات مشابه نیز اشاره شده است.

با وجود تأکید زیاد درباره مبارزه با جرائم و مفاسد اقتصادی، بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه به دلایل زیادی شکست خورده اند. یکی از دلایل، عدم تناسب بین سازمان مبارزه کننده با جرائم اقتصادی و مجرمان اقتصادی است؛ زیرا نبود یک ساختار منسجم و سازمانیافته که در عین داشتن اختیارات قانونی در برخورد با جرائم اقتصادی ملزم به پاسخگویی در خصوص علل بروز جرائم و مفاسد اقتصادی باشد، امکان مبارزه قاطع با مجرمان و مفسدان اقتصادی را به شدت کاهش داده و مانع از دستیابی مبارزه کننده به اهداف خود (از بین بردن ریشه‌های فساد اقتصادی) خواهد شد. ولی در سایر تحقیقات به وضوح و شفافیت موجود، به لزوم تأسیس چنین سازمانی با رویکرد متولی و پاسخگو بودن پرداخته نشده است؛ هرچند بر استقلال قانونی سازمان اشاره شده است. تعدد سازمان‌های متولی مبارزه با جرائم اقتصادی: در حال حاضر بخش‌های متعددی همانند ناجا، وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، بازرسی و حراست قانون گذار در طول چندین دهه قانون گذاری در ایران در مورد جرم انگاری جرائم اقتصادی، همواره سعی بر آن داشته تا ابتدا با تعیین ماهیت این جرائم، مرز میان آنها و سایر جرائم را مشخص نماید تا بتواند از طریق اعمال روش‌های متناسب اعم از کیفری و غیر کیفری، از بروز این گونه جرائم جلوگیری نماید. البته به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که در سال‌های اخیر جرائم اقتصادی در ایران روند صعودی داشته اند، سیاست مصلحت اندیشی و احتیاطی نظام قضایی و نظارتی جمهوری اسلامی ایران در برخورد قانونی با برخی اشخاص، نهادها و سازمان‌هایی است که مرتکب این گونه جرائم می‌شوند. در واقع عدم قاطعیت نهادها و دستگاه‌های نظارتی موجب نفوذ مفسدان اقتصادی به درون نظام اجرایی، قضایی و تقنینی کشور شده است. در حالی که مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ «همه افراد در برابر قانون مساوی اند... مهمترین عامل و مسأله ساختاری در اقتصاد ما پیچیدگی و نامتناسب بودن مقررات است. در جهان امروز، مقررات اقتصادی و مالی بسیار شفاف، صریح و در عین حال دقیق و ثابت است. سیستم‌های بانکی، گمرکی، مالیاتی و امثال آن در کشور ما آن قدر پیچ و خم دارد که بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند یا اصلاً در آن وارد نشوند یا از طریق غیرقانونی و یا پرداخت رشوه و زد و بندها هرچه زودتر و خارج از مراحل سخت و پیچیده اداری و مقررات به مقصود خود برسند که این خود زمینه مشکلات و مفاسد اقتصادی زیادی می‌شود. سوالی که ما در این مقاله با آن روبه‌رو هستیم این است که: آیا سیاست جنایی ایران در جهت کاهش جرائم اقتصادی به درستی ترسیم شده است؟ و هدف از جرم انگاری در قلمرو جرائم اقتصادی چیست؟ بنظر می‌رسد که قوانین کیفری ایران در جهت کاهش جرائم اقتصادی به درستی ترسیم نشده است و هدف از جرم انگاری در قلمرو جرائم اقتصادی، حمایت جنایی از نظام اقتصادی کشور می‌باشد». بنابراین دیگر موجبی باقی نمی‌ماند که شخص یا نهادی در برابر قانون استثناء گردد.

به نظر نگارنده با گسترش سیاست جنای کنش (قبل از وقوع جرم) و استفاده از کلیه ابزارها و تدابیر و امکانات اعم از امکانات نهادهای دولتی و امکانات نهادهای غیردولتی و تلفیق آن با سیاست جنایی واکنشی (پس از وقوع جرم) و استفاده آن دو در کنار هم، می‌توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در اجتماع را فراهم کرد که مبارزه با فساد اقتصادی از این قاعده مستثنی نیست.

البته لازم بذکر است که سیاست جنایی واکنشی (کیفری) از آنجا که دارای مضرات و معایب بسیاری است و بر جسم و روان مجرمان تأثیرگذار بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات مواجه می‌کند، باید بعنوان آخرین چاره علیه بزهکاری مورد استفاده قرار گیرد.

ب) پیشنهادهای پژوهشی

ب ۱) پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌های پژوهش

پیش از اینکه برنامه ضد فساد را عملی کنیم می‌بایست بخش‌های مختلف و نوع فساد را شناسایی نماییم:

- بازنگری در سیاست جنایی فعلی و سنگین‌تر کردن وزنه اقدامات غیرکیفری و اعمال مدیریت صحیح بر منابع مالی و اقتصادی جامعه؛
- با بازنگری و برخورد اصولی و قاعده‌مند و قاطع با مفسدین اقتصادی در سایه داشتن قوانین به روز و
- کارشناسی شده، جامعه را از گزند این مجرمین خطرناک برحذر داشت؛
- تصمیم‌گیری با اخذ نظرات خبرگان، کارشناسان و استادان حقوقی کشور در تنظیم و تصویب قوانین و مقررات مرتبط با جرائم اقتصادی مورد توجه جدی قرار گیرد؛
- کم کردن اقتدار قوانین بواسطه دخالت سایر مراجع (غیر از مجلس شورای اسلامی) در فرآیند قانونگذاری؛
- مصادیق جرائم اقتصادی مانند اختلاس، ارتشاء و... برابر کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل به بخش خصوصی تسری یابد؛
- قوانین متروک و غیرقابل اجرا و قوانینی که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و خارج از اختیارات و ضوابط قانونی تصویب شده‌اند نسخ و با قوانین به روز و مصوب (مجلس شورای اسلامی) جایگزین شود؛
- جرم اقتصادی تعریف و مصادیق آن تبیین و ابهامات موجود مرتفع شود؛
- قوانین موجود براساس نیاز روز جامعه و توسعه روزافزون جرائم براساس یک سیاست کیفری افتراقی متناسب با آثار و ابعاد مفساد اقتصادی اصلاح شود؛
- با تشکیل شبکه نظارت بر کلیه مبادلات ریالی و ارزی بانک‌ها و قراردادهای بین‌المللی و یا بین دولتی، نظارت مستمر صورت گیرد تا سبب کاهش جرائمی مثل اختلاس و پولشویی و رشاء و ارتشاء گردد
- جمع‌آوری مناسب و دسته‌بندی شده آمار و اطلاعات مربوط به جرائم اقتصادی با مسئولیت یک نهاد مشخص به منظور تسهیل بررسی و تحلیل جرائم مختلف و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه متناسب با هر جرم؛
- تقویب همکاری و هماهنگی بین قوای مختلف با پیش‌بینی یک نهاد فراقوهای؛
- آموزش و ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به جرائم اقتصادی از طریق صداوسیما و پیش‌بینی مواد درسی لازم در دوره‌های تحصیلی دبیرستان و دانشگاه؛
- دسترسی مردم به اطلاعات از طریق انتشار اطلاعات مربوط به امور مالی و مدیریتی دولت؛

شفافسازی فعالیت‌های مالی از طریق گزارش‌های دستگاه‌های مرتبط؛

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Economic crimes are a significant issue in many countries, including Iran, where the legal and judicial system has struggled to address them effectively. The article at hand explores Iran's criminal policy toward economic crimes, emphasizing the challenges and gaps in both legislation and implementation. As the prevalence of economic crimes rises, the Iranian government has faced difficulties in achieving national goals related to economic security.

Iran's economic environment presents a fertile ground for economic crimes due to its various vulnerabilities, as mentioned in the article. These crimes have a far-reaching impact, not only hampering economic security but also affecting the government's ability to maintain social stability. The government's response, particularly through its criminal and penal policies, has been inadequate, leading to significant challenges. The lack of a structured penal policy and insufficient differentiation between economic crimes and other offenses has resulted in legal ambiguities, making it harder to combat economic crimes effectively (Najafi Abrandabadi & Hashem Beigi, 2014; Najafi Abrandabadi & Sabouripour, 2005). The criminal policy in place fails to provide a clear and comprehensive definition of economic crimes, allowing for leniency in judicial approaches that ultimately benefit criminals rather than society at large.

A key issue is the absence of a cohesive and unified criminal policy that could systematically address the economic challenges Iran faces. The pluralism in legislative bodies has led to fragmented approaches to dealing with economic crimes. This fragmentation has weakened the judicial system's ability to prosecute and prevent such crimes effectively. The article points out that this has resulted in inconsistent court rulings, which further complicates the legal framework. The reliance on populist penal approaches to handle economic crimes has, in many cases, exacerbated the problem, leading to a lack of fairness and balance in legal proceedings (Alvani & Sharifzadeh, 2000). These challenges highlight the need for a more integrated and specialized approach within Iran's criminal justice system.

Moreover, the article discusses the economic impact of these crimes, particularly their contribution to undermining national economic stability. Economic crimes are not confined to local impacts; they have a cascading effect on broader economic performance. Criminals who engage in activities such as money laundering, fraud, and corruption can significantly distort market operations, harming both the private sector and public institutions (Nourzad, 2010). The absence of strict penal measures allows these criminals to exploit economic vulnerabilities, mixing illicit proceeds with legal income and gaining unfair advantages over competitors who operate within the law. This has a detrimental effect on economic competition and innovation.

The article also highlights the problematic nature of the judicial response to economic crimes, which has often been characterized by short-term and politically motivated reactions. For instance, the judiciary may react harshly in periods of public outcry, but leniency returns when societal pressures decrease. This inconsistency undermines the rule of law and creates an environment where economic crimes are more likely to proliferate. A more stable and consistent judicial approach, as the article suggests, would involve the establishment of specialized courts and legal mechanisms dedicated to handling economic crimes, much like the separate systems established for military courts under Article 172 of Iran's Constitution (Pakneat, 2017).

Preventive measures are another critical aspect discussed in the article. The author argues that while Iran's penal policy has focused primarily on punishment, there has been little effort to establish preventive policies that could mitigate the root causes of economic crimes. For instance, corruption within governmental bodies often leads to economic crimes, and a preventive approach would require reforms that promote transparency and accountability in public administration (Jamshidi, 2012). Such reforms could also extend to improving economic regulations and oversight mechanisms to reduce the opportunities for financial crimes.

In conclusion, the article presents a comprehensive analysis of Iran's criminal policy on economic crimes, drawing attention to the various legal, judicial, and institutional challenges that hinder the effective prosecution and prevention of these offenses. The lack of a cohesive penal policy, the inconsistent application of laws, and the reliance on populist responses have all contributed to the proliferation of economic crimes in Iran. To address these issues, the article suggests that the government must adopt a more structured approach, focusing on both penal and preventive measures to ensure economic stability and legal fairness. This would involve legislative reforms, judicial specialization, and a more consistent application of laws to deter economic criminals effectively and restore trust in the country's economic systems.

References

- A'Zami Moghadam, M. (2011). *Comparative study of economic crime investigation requirements in other countries; an appropriate strategy for Iran's police* [Master's Thesis, Amin University of Law Enforcement Sciences].
- Alvani, S. M., & Sharifzadeh, F. (2000). *Policy-making process* (1st Edition ed.). Allameh Tabataba'i University.
- Dehkhoda, A. A. (2006). *Dehkhoda Dictionary* (1st Edition ed.). University of Tehran.
- Doagooiyan, D. (2013). A comparative study of economic police models for developing a framework for Iran's police. *Scientific and Research Quarterly of Intelligence and Criminal Studies*, 8(4), 57-82.
- Jamshidi, A. (2012). *Participatory criminal policy* (1st Edition ed.). Mizan Publishing.
- Khani, A., & Shiri, A. (2013). *Deficiencies in criminalization of economic corruption in Iran's criminal policy*. Karagah Publishing.
- Kousha, J., & Sanij, M. (2017). Criminal policy in economic crimes. *Journal of Law and Finance Studies, Criminal Law and Criminology Research Group*.
- Mahdavi Pour, A. z. (2011). *Differentiated criminal policy in the realm of economic crimes* (1st Edition ed.). Mizan Publishing.
- Najafi Abrandabadi, A. H., & Hashem Beigi, H. (2014). *Encyclopedia of Criminology* (3rd Edition ed.). Shahid Beheshti University Press.
- Najafi Abrandabadi, A. H., & Sabouripour, M. (2005). *Sociology course notes for master's degree*. Shahid Beheshti University.
- Nourbaha, R. (1999). *Fundamentals of general criminal law* (3rd Edition ed.). Dadafarin Publications.
- Nourzad, M. (2010). *Economic crimes in Iranian criminal law* (1st Edition ed.). Jungle Publications.
- Pakneat, M. (2017). *The differentiation of criminal procedure* (1st Edition ed.). Mizan Legal Foundation.
- Renani, M. (2003). *Examination of institutional obstacles to market economy efficiency in Iran's economy* (2nd Edition ed.). Management and Planning Organization.
- Saki, M. R. (2011). *Economic Criminal Law* (2nd Edition ed.). Jungle Publications.

- Saniei Monfared, M. A. (2001). Independence of powers in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Government Journal*(22).
- Tadbir Eghtesad Research Information Department, R. (2008). Criticism and review of the crime prevention bill. *Quarterly of Legal Information*, 15.
- Tavsali Zadeh, T. (2013). *Prevention of economic crimes* (1st Edition ed.). Jungle Publications.
- Torabi, Y. (2004). *Review of military-economic relations between Iran and the USA* (1st Edition ed.). Orouj Publishing.
- Validi, M. S. (2014). *Economic Criminal Law (Vol. 2: Crimes against economic security)*. Jungle Publications.